

الحمد لله رب العالمين

تدبیر ماه

نماندگی ولی فقیه در سپاه

دقت تأیید شرعی ضوابط و برنامه ها

نام نشریه:

تدبیر ماه

تنظیم و نشر:

نمایندگی ولی فقیه در سپاه
دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه‌ها

نوبت چاپ:

اول

شماره:

(دی و بهمن ۹۳) ۹۲

تاریخ چاپ:

اسفند ۱۳۹۳

شمارگان:

۳۰۰۰ نسخه

چاپ:

مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

فهرست

موضوع	صفحه
مقدمه	۷
حدیث	۹
تدابیر تربیتی و معنوی	۱۳
تدابیر طرح و برنامه‌ای	۱۷
تدابیر سیاسی و اجتماعی	۲۱
تدابیر ویژه بسیج	۸۱
تدابیر اقتصادی و مالی	۸۳
تدابیر بهداشت و سلامت	۱۰۵
تدابیر نظارت و بازرسی	۱۱۹
تدابیر پژوهشی، تحقیقاتی	۱۲۱
تدابیر نیروی انسانی	۱۲۹
تدابیر برون مرزی	۱۳۱
تدابیر تدابیر	۱۴۹
پی‌نوشت‌ها	۱۵۲

معاونت تدابیر و قوانین دفتر تأیید شرعی

تلفن مستقیم: ۳۵۲۳۳۷۱۲

کوثر: ۳۳۹۳۹ و ۳۳۷۱۲

پایگاه داخلی: www.pasdar.org

سبقت‌گویی

سنت لایتغیر الهی نگذاشت که زهرای مرضیه علیها السلام

در پشت حجاب غلیظ اوهام پنهان بماند، و آن

ستاره درخشان خونین، در گذشت زمان به

خورشیدی تابان بدل شد. و امروز نام او و یاد

مظلومیت او از همه حصارهای کتمان، عبور کرده

است، و به اعماق دل‌ها و جان‌ها رسیده است.

و این درخشندگی و فزاینده‌گی ادامه خواهد داشت:

«أَنَا اعطیناکی الکوثر» (پیام به مناسبت بزرگداشت روز شهیدان در

دهه فجر انقلاب اسلامی ۱۳۷۷/۷/۲)

* * *

ضمن بزرگداشت آغاز سی و هفتمین سال
 استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی و سپاس به
 درگاه الهی برای حضور سرنوشت‌ساز و میلیونی
 مردم مسلمان و انقلابی ایران در راهپیمایی
 عزت‌آفرین ۲۲ بهمن و تجدید میثاق با روح بلند
 حضرت امام خمینی ره و بیعت مجدد با
 مقام معظم رهبری علیه السلام و تسلیت ایام شهادت
 مظلومانه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، بدین‌وسیله
 نود و دومین نشریه «تدبیر ماه»، شامل
 برگزیده تدابیر رهبر معظم انقلاب اسلامی
 حضرت امام خامنه‌ای علیه السلام، در دو ماه دی
 و بهمن سال جاری، به شما ولایتمداران
 و رهپویان راه همیشه جاوید علوی و فاطمی
 تقدیم می‌گردد.

امید است مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

والسّلام علیکم و رحمة اللّٰه و برکاته

دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه‌ها

حدیث

عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

جُعِلَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزَّهْدُ
فِي الدُّنْيَا.^۱

الشافعي ص ۵۳۰

توضیح مقام معظم رهبری رحمته الله علیه:

خدای متعال همه خیرات و حسنات را در خانه
و مخزنی جمع کرد و کلید این خانه را زهد در
دنیا قرار داد. البته مقصود از خیراتی که
می‌فرماید، علی‌القائده خیرات معنوی و اخلاقی
یعنی صفات حسنه، خصال حمیده، و از این قبیل
است و ظاهراً مراد، امور مادی نیست. همه این
خیرات را به کلیدی وابسته کرده است که عبارت

۱_ امام الصادق علیه السلام فرمود:

همه خوبی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده، و کلید آن بی‌رغبتی به
دنیا است.

از زهد در دنیا است. ما خیلی عادی از کنار این مسئله عبور می‌کنیم.

دوران ما دورانی است که به نظر می‌رسد باید خیلی روی زهد تکیه کرد. چه در قول چه در عمل. بعضی چیزها در عرف جوامع، به صورت یک امر و یک فرهنگ رایج در می‌آید که البته عیب به حساب نمی‌آید. مثل مال‌اندوزی، ثروت‌اندوزی، تجملات و تشریفات‌طلبی. در دوران مبارزات، زمانی بود که در عرف مبارزین، این صفات عیب محسوب می‌شد. آثار آن تا اوایل پیروزی انقلاب بود و در یک شکل بسیار وسیع‌تری تا بعد انقلاب هم باقی ماند. لکن به تدریج آن آفتابی که معمولاً بر جوامع پیروز بر قدرت‌های استعماری رخ می‌دهد، آن عارضه - البته نه به شدت برخی از جوامع مادی، بلکه به شکلی که مناسب ما نبود - در جامعه ما پیش آمد. چه کسی باید این عیب را اصلاح کند؟ نمی‌توان گفت که فقط با نصیحت درست می‌شود، از طرفی هم نمی‌شود گفت که نصیحت را کنار بگذاریم، چون فایده‌ای ندارد. اینجا باید با نصیحت و با شیوه‌های گوناگون، و البته بیشتر

از همه با عمل خودمان، با این معضل مقابله کنیم. امروز در زندگی مردم عادی که نگاه کنید، میل به تجملات هست. در زندگی مسئولین هم هست. در حالی که این طبیعت کار است. ما نمی‌توانیم به زهدی از قبیل زهد امیرالمؤمنین دست بیابیم. زیرا خیلی با ایشان فاصله داریم. ایشان در یک عالم و ما در عالم دیگری هستیم. اما می‌توانیم هم خودمان هم دیگران را به اینکه به دنیا حرص نزنیم و به پول، تجملات، مشی اشرافی‌گری و به سر و وضع زندگی فاخر متمایل نشویم، دعوت کنیم. بلکه اگر دچار چنین مشکلی هم هستیم، آن را نقیصه‌ای بشمریم. و از آن بگریزیم. باید به روایات زهد جامه عمل بپوشانیم.

از خدای متعال اخلاص در عمل و توجه روزافزون و نورانیت دل می‌خواهیم. گاهی می‌گوییم: خدایا! ما را آدم کن. همه اینها مفتاحش، زهد در دنیا است. «جُعِلَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزَّهْدُ فِي الدُّنْيَا».

جلسه دویست و سی و سوم درس خارج فقه ۸۷/۷/۲۲

تدابیر تربیتی و معنوی

• اهتمام به نقش تربیتی قرآن و اسلام

اهتمام به نقش تربیتی قرآن و اسلام

پیام به بیست و سومین اجلاس سراسری نماز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سالیان درازی است که همت و انگیزه‌ای مبارک، همه ساله، دل‌ها و ذهن‌ها را در سراسر کشور با این اجلاس، به اندیشیدن درباره‌ی نماز برمی‌انگیزد و نکته‌ها و یادآوری‌ها و هشدارهایی درباره‌ی این فریضه بی‌همتای اسلامی و این استوانه‌ی استوار دین و دینداری، در فضای جامعه می‌پراکند. این، توفیقی بزرگ برای شما برگزارکنندگان و موهبتی از سوی خداوند برای ما شنوندگان و نیوشندگان است.

اکنون نوبت آن است که محصول این تلاش ارزشمند، در ترازوی نگاهی واقع‌بین، سنجیده شود؛ چه در رفتار مخاطبان که به گزاردن نماز و سبک نشمردن آن فراخوانده شده‌اند، به‌ویژه جوانان و نو رسیدگان؛ و چه در مواظبت بر کیفیت نماز و خشوع و حضوری که روح و جوهر این عمل صالح رحمانی به

شمار می‌رود؛ و چه در مسئولیت‌شناسی کسانی که به وظائفی در این راه موظف گشته‌اند، همچون ساختن و پرداختن مساجد، یا ترتیب دادن نماز در مدارس و دانشگاه‌ها، یا فراهم آوردن فرصت برای نمازگزار در سفرهای زمینی و هوایی، یا در بهره‌گیری از شیوه‌های هنری در ترویج نماز در رسانه‌های تصویری و صوتی، یا در تولید مقاله و کتاب در تبیین زیبایی‌های این عمل کوتاه و پر مغز ...؛ و چه در زمینه‌های دیگری که وظائفی در آنها بر عهده مسئولانی نهاده شده است.

اجلاس نماز، اقدامی مبارک و کارساز و بی‌شک، مأجور است. لیکن برای اینکه این کار ارزشمند، هر چه بیشتر به نقطه کمال کارایی نزدیک شود، باید به این سنجش و محاسبه واقع‌بین و خردمندانه، همت گماشت و پیگیری نتایج را بخش مهمی از این ابتکار دانست.

توفیق همه شما به‌ویژه روحانی عزیز و گرانقدر حجت‌الاسلام جناب آقای قرائتی را از خداوند بزرگ مسألت می‌کنم.^۱

سیدعلی خامنه‌ای

۹ دی ۱۳۹۳

تدابیر طرح و برنامه‌ای

• تصمیمات راهبردی

تصمیمات راهبردی

مسئولیت بزرگ مسئولان دولتی

رونق و پیشرفت و رفاه مردم

من بارها این را عرض کردم در جلسات عمومی و همچنین در جلسات خصوصی با مسئولین دولتی، نگاهشان به دست بیگانه نباشد. بله! امروز دشمنان برای ملت ایران با تحریم مشکل درست کردند؛ خب! حالا اگر آمدند شرط برداشتن تحریم را یک چیزی قرار دادند که شما غیرت نمی‌کنید که آن را انجام بدهی؛ چه کار می‌کنید؟ شرط می‌گذارند: دست از اسلام بردارید، دست از استقلال بردارید، دست از حرکت به سوی علم بردارید، دست از فلان پدیده افتخارآمیز بردارید تا ما تحریم را برداریم؛ شما چه کار می‌کنید؟ قطعاً قبول نمی‌کنید. یقیناً هیچ مسئولی در کشور قبول نمی‌کند که شرط برداشتن

تحریم‌ها، مثلاً فلان مسئله اساسی و فلان مسئله آرمانی باشد. البته دشمن فعلاً نمی‌آید با آرمان‌ها، معارضه صریح بکند؛ چرا، اگر ما عقب‌نشینی کردیم، به صراحت هم می‌رسد؛ اما امروز این جور نیست که دشمن صریح بیاید با آرمان‌ها معارضه بکند و شرط قرار بدهد. لکن باید هوشیار بود! فهمید که این پیشنهاد، این حرف، این اقدام از سوی دشمن، با چه هدفی دارد انجام می‌گیرد. خب! هیچ مسئولی معلوم است که راضی نیست و موافق نیست که در مقابل دشمنان کوتاه بیاید و برای اینکه مثلاً تحریم‌ها برداشته بشود یا کم بشود، از آرمان‌ها دست بردارند؛ خیلی خب! حالا که این جور است، پس شما بیاید کاری کنید که کشور در مقابل تحریم‌ها مصونیت پیدا کند؛ اقتصاد مقاومتی یعنی این! فرض را بر این بگذارید که دشمن، برداشتن تحریم را متوقف به چیزی می‌کند که شما حاضر نیستید آن را قبول کنید - این جور فرض کنید قضیه را - کاری کنید که تحریم بی‌اثر بشود. بارها ما گفته‌ایم کاری کنید که وابستگی مالی کشور به نفت کم و کم و کمتر بشود؛ خب! شما ملاحظه می‌کنید در ظرف مدّت کوتاهی

قیمت نفت را به نصف می‌رسانند. وقتی ما وابسته به نفت باشیم، مشکل برای ما درست می‌شود؛ این فکر را باید کرد. ازجمله بزرگ‌ترین مسئولیت‌های مسئولین کشور همین است که کاری کنند اگر دشمن دلش نخواست تحریم را بردارد، به رونق کشور و پیشرفت کشور و رفاه مردم ضربه‌ای وارد نشود؛ راه آن چیست؟ راه آن این است که مراجعه کنیم به درون کشور، به درون ملت، از نیروهای درونی کشور استفاده کنیم و راه‌هایی وجود دارد؛ آدم‌های صاحب‌نظر، آدم‌های کارشناس و بااخلاص، گواهی می‌دهند که راه‌هایی وجود دارد که انسان بتواند به خودش متکی باشد. این وظیفه مسئولین کشور و مسئولین دولتی است، چشم ندوزند به دست بیگانه! بیگانه یک‌وقت مایل است فشار وارد بیاورد، شما هرچه عقب‌نشینی کنید، می‌آیند جلو؛ هرچه شما یک قدم عقب بروید، آنها یک قدم می‌آیند جلو؛ دستگاه استکبار، دستگاه ترخّم و انصاف و انسانیت و ملاحظه که نیست؛ هرچه شما عقب بروید، آنها جلو می‌آیند. فکر اساسی بکنید!^۳

تدابیر سیاسی و اجتماعی

- دشمن شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن
- افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی
- اقتدار ملی
- حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب
- حضور در صحنه‌ها و عرصه‌های اجتماعی

دشمن‌شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن

تلاش دشمنان در به فراموشی سپردن

روزها و حوادث بزرگ انقلاب

آنچه در درجهٔ اوّل به مناسبت نوزدهم دی ماه که یک روز تاریخی و بزرگ و تعیین‌کننده است، لازم است عرض بکنم، تشکر از مردم عزیز قم است. به‌خاطر اینکه نگذاشتند و نخواهند گذاشت که این حادثه به دست فراموشی سپرده بشود.

چون انگیزه‌هایی وجود دارد برای فراموش کردن و در طاق نسیان گذاشتن این روزهای بزرگ و این حوادث بزرگ! کار می‌کنند و تلاش می‌کنند برای اینکه سوابق تعیین‌کننده و عموماً افتخارآمیز برای انقلاب و دوران دفاع مقدس و امثال اینها، فراموش بشود. نهم دی را هم می‌خواهند به فراموشی بسپارند. حادثه عاشورای حسینی را هم ستمگران و ظالمان می‌خواستند نگذارند باقی بماند، زینب کبراء علیها السلام نگذاشت. دو حرکت عمه ما - زینب کبراء علیها السلام - انجام داد: یک حرکت، حرکت اسارت بود به کوفه و شام و آن روشنگری‌ها و آن بیانات که مایه افشای حقایق شد؛ یک حرکت دیگر، آمدن به زیارت کربلا در اربعین بود؛ حالا اربعین اوّل یا دوّم یا هرچه. این حرکت به معنای این است که نباید اجازه داد که انگیزه‌های خباثت‌آلودی که قصد دارند مقاطع عزیز و اثرگذار و مهم را از یادها ببرند، موفق بشوند؛ البته موفق هم نخواهند شد. تا ملت‌ها زنده‌اند، تا زبان‌های حق‌گو در کار است، تا دل‌های مؤمن دارای انگیزه

هستند، نخواهند توانست این را به فراموشی بسپرند؛ همچنان که نتوانسته‌اند. این انگیزه‌های معاند و معارض در صدر اوّل تا دوران‌های طولانی باقی بود؛ یعنی متوکل عبّاسی بعد از حدود ۱۷۰ یا ۱۸۰ سال از حادثه عاشورا، درصدد برآمد قبر مطهر ابا عبدالله علیّه السلام را تخریب کند؛ یعنی ملت ایران حالاً حالا باید منتظر باشد که دشمنان به کارها و فتنه‌ها و خیابان‌های خودشان برای اینکه زیبایی‌های انقلاب از یاد برود، ادامه بدهند.

دشمن دست بر نمی‌دارد؛ تا انقلاب را یا تحریف کنند یا به دست فراموشی بسپرند و کاری کنند که ملت حرکت خود، سابقه خود و کار بزرگی را که کرده است فراموش کند، دچار نسیان و غفلت بشود؛ کسی که گذشته افتخارآمیز خود را نمی‌داند، نمی‌تواند در آینده هم حوادث افتخارآمیز برای خودش درست کند، این تلاش را دشمنان دارند می‌کنند.^۳

خصوصیت‌های رژیم فاسدپهلوی

نوزدهم دی چه بود؟ همه می‌دانند که نوزدهم دی مبدأ یک حرکت عمومی در میان ملت ایران شد. این آتش، زیر خاکستر بود، روزه‌روز هم گسترش پیدا می‌کرد، اما بُروز آن و شعله‌ور شدن آن، از نوزدهم دی شد، به‌دست قمی‌ها شد؛ بعد منتهی شد به حرکت‌های گوناگون؛ و ملت ایران یکپارچه وارد میدان شدند، لبیک گفتند به امام عزیز و شجاع و الهی و معنوی‌شان و گلاویز شدند با رژیم فاسد. این رژیمی که ملت با آن گلاویز شد، چه بود؟ چه کسی بود؟ این خیلی مهم است. دو سه خصوصیت را من عرض می‌کنم؛ چون عرض کردم امروز انگیزه‌ها وجود دارد برای تحریف، یعنی سعی می‌کنند چهره خبیث‌ترین و زشت‌ترین و سیاه‌روترین عناصر حُکام تاریخی اواخر این ملت را به شکلی آرایش کنند که حقیقت برای مردم مکشوف نشود و نفهمند با این انقلاب چه کردند.

۱- یکی از خصوصیات آن رژیم فاسد، دیکتاتوری سیاه و خفقان عجیب علیه مردم، با قساوت‌آمیزترین روش‌ها [بود] که ممکن است در جاهای دیگری از کشورها هم وجود داشته باشد. در اینجا خود ما از

نزدیک مشاهده کردیم که چه می‌کردند و چه رفتاری داشتند با آحاد مردم؛ هم در دوران رضاخان که گذشتگان ما، بزرگ‌ترهای ما آن را دیده بودند و برای ما نقل کردند، هم در دوران اخیر، که خود ما، آحاد مردم، در میدان بودیم. جوان‌ها البته آن دوران را ندیدند. حرف‌های فراوان و موثق [وجود دارد] از آنچه اینها با مردم، با مبارزین و با کسانی که انتقاد داشتند - ولو انتقادهای اندک - داشتند انجام می‌دادند؛ رفتارهایی که اینها می‌کردند، آن شکنجه‌ها، آن فشارهای عجیب و غریب جسمی و روحی، آن زندان‌های مخوف، که امروز برخی از نشانه‌های آنها هست که افراد می‌روند می‌بینند تعجب می‌کنند. ... اینها کجا! سخن از آزادی بیان و لیبرالیسم و دموکراسی و اعتنای به حرف مردم کجا! اصلاً عالم عجیبی است! در کشور ما، آن رژیم خبیث، یکی از خصوصیاتش این بود: شدت عمل، قساوت کامل نسبت به هرکسی که اندک اعتراضی به آنها داشت و مطلع می‌شدند.

۲- خصوصیت دوّم، وابستگی ذلت‌آمیزی بود که اینها به قدرت‌های خارجی داشتند. حالا در این

کتاب‌هایی که برای تبرئه و بی‌گناه نشان دادن رژیم خبیث پهلوی می‌نویسند، این را منکر می‌شوند، که [البته] قابل انکار نیست. رضاخان به دستور انگلیسی‌ها آمد، به دستور انگلیسی‌ها هم رفت؛ ... بعد هم که محمدرضا را انگلیسی‌ها سر کار آوردند تا آخر دهه ۲۰، از اوایل دهه ۳۰ آمریکایی‌ها وارد میدان شدند، همه امور را قبضه کردند و در اختیار گرفتند؛ سیاست‌ها سیاست‌های آمریکا [بود]؛ آنچه منافع آمریکا ایجاب می‌کند، چه در رفتار داخلی، چه در رفتار منطقه‌ای، چه در رفتار بین‌المللی؛ عیناً آنچه آنها لازم می‌دانستند؛ یعنی یک تحقیر عظیم ملت ایران. این یکی از خصوصیات آن رژیم خبیث این بود. اینکه شما می‌بینید آمریکایی‌ها با چه لجی، با چه دشمنی و بغضی به ملت ایران و به انقلاب اسلامی و به نظام اسلامی نگاه می‌کنند؛ به‌خاطر این است. اینها یک چنین دورانی را گذراندند؛ چنین کشوری، چنین نظامی از دست آنها رفته است؛ لذا دشمنی آنها با انقلاب تمام‌شدنی نیست.

۳- خصوصیت سوّم این رژیم خبیث، فساد بود. انواع فساد، از فسادهای جنسی بگیرید که مبتلا به

تقریباً همهٔ درباری‌ها و دوروبری‌ها و مانند اینها بود که دیگر حالا داستان‌هایش شرم‌آور است. آن روز خیلی از آحاد مردم هم می‌دانستند، اگرچه جرأت نمی‌کردند بر زبان بیاورند. گاهی از قلم خارجی‌ها درمی‌رفت، چیزهایی را می‌گفتند فساد جنسی، فساد مالی، نه فقط در سطوح متوسط که هر وقتی ممکن است پیش بیاید؛ نخیر! در عالی‌ترین سطوح کشور. از طرف شخص محمدرضا و دوروبری‌هایش، بالاترین فسادهای مالی، بزرگ‌ترین رشوه‌ها، بدترین دست‌اندازی‌ها، خبثات آلودترین فشارها بر منابع مالی ملت به‌وجود می‌آمد. برای خودشان ثروت درست می‌کردند به قیمت فقیر کردن مردم و بیچاره کردن مردم. فساد، فساد جنسی، فساد مالی، اعتیاد، ترویج اعتیاد و ترویج مواد مخدر صنعتی به‌وسیلهٔ عناصر اصلی حکومت آن روز در ایران به‌وجود آمد و اتفاق افتاد. یکی از خواهرهای محمدرضا را در فرودگاه سوئیس با چمدان پر از هروئین، پلیس سوئیس دستگیر کرد! [خبر آن در] همهٔ دنیا پیچید، متتها زود ماست مالی کردند؛ خب! مربوط به خودشان بود؛ قضیه را برطرف کردند، گره را باز کردند؛ یک‌چنین وضعیتی [بود].

۴- بی‌اعتنائی به مردم؛ ازجمله خصوصیات مهمّ رژیم طاغوت بی‌اعتنائی به مردم بود؛ مردم به‌هیچ‌قیمت به‌حساب نمی‌آمدند. ما در دوران عمرمان، در دوران جوانی در رژیم گذشته، یک بار هم نه در انتخاباتی شرکت کرده بودیم، نه از مردم کوچه و بازار معمولی می‌شنیدیم که شرکت کنند؛ انتخاباتی وجود نداشت. در یک برهه‌ای خیلی صریح، در یک برهه‌ای کمتر صریح، دخالت‌های آنها بود؛ یک مشت مزدور را می‌بردند، می‌نشانند آنجا و به‌وسیله آنها در مجلس شورا و مجلس سناکار خودشان را انجام می‌دادند. مردم اصلاً نمی‌دانستند چه کسی در رأس کار است؛ اصلاً رابطه بین مردم و حکومت قطع بود. آگاهی مردم، اطلاع مردم از مسائل کشور، از مسائل سیاسی که شما امروز می‌بینید، این درست نقطه مقابل آن چیزی است که آن روز وجود داشت؛ رژیم خبیث بکل منقطع بود با آحاد مردم.

۵- بی‌اعتنائی به پیشرفت علمی، ترویج خودکم‌بینی ملی و بزرگنمایی غربی؛ حالا کار علمی که پیشرفت نمی‌کرد، حرکت علمی به معنای واقعی کلمه که اصلاً وجود نداشت، در رسانه‌ها ذائقه مردم را به واردات عادت دادند که این عادت متأسفانه تا امروز باقی است.

عادات طولانی مدتی که برای مردم به وجود می‌آید، به آسانی از بین نمی‌رود. اینها به جای کشاندن کشور به سمت احیای تولیدات داخلی و منابع حقیقی یک ملت، مردم را با پول نفت عادت دادند به واردات؛ ذائقه مردم را عوض کردند؛ کشاورزی کشور را نابود کردند، صنایع واقعی و ملی کشور را از بین بردند، کاملاً کشور را وابسته کردند به خارج و به دشمنان این ملت. ملت را تحقیر کردند، توانایی‌های ملت را دست‌کم گرفتند، به زبان آوردند، فرهنگ غربی را بزرگنمایی کردند؛ یک رژیم هفت‌جوش (حیله‌گر) خیث جامع همه بدی‌ها. خب! مردم هم احساس می‌کردند؛ ملت ایران ملت باهوشی است، حقایق را می‌فهمند، احساس می‌کنند، منتها یک دستی لازم است، یک صدای رسایی لازم است، یک دل مؤمنی لازم است که دیگران را وارد به میدان مبارزه کند؛ مبارزات گوشه و کنار بود، اینکه مردم بیایند وارد میدان بشوند، این کار یک مرد الهی بود که خدای متعال این مرد الهی را به مردم داد؛ امام بزرگوار ما همان فریادی شد که همه خواسته‌های مردم را در خود جمع داشت؛ مردم هم پاسخ گفتند، اجابت کردند، جان دادند، فداکاری کردند، وارد میدان شدند؛ ملت با چنین رژیمی گلاویز شد و پیروز شد.^۳

علّت دشمنی با نظام اسلامی

علّت دشمنی دشمنان با نظام اسلامی در درجهٔ اوّل همین است که در یک نقطهٔ حسّاس، در یک کشور ثروتمند، در یک کشور از لحاظ موقعیت راهبردی فوق‌العاده مهم - که اینها توانسته بودند یک رژیم دست‌نشاندهٔ فاسد متّصل و مرتبط به خودشان را در آنجا احیا کنند و تقویت کنند - در یک چنین جایی، اسلام، ملّت، آرمان‌های مردمی، آمده است و جایگزین شده است؛ اعتنائی به خواست‌های دشمنان ندارد؛ درست در جهت مقابل آن جهاتی که آن رژیم حرکت می‌کرد حرکت می‌کند.

بزرگ‌ترین خدمتِ حرکتِ اسلامی و انقلاب اسلامی این بود که مردم را از شرّ آن رژیم خلاص کرد. همهٔ آنچه بعداً پیش آمده است تا امروز، این عزّتِ ملّی، این حرکتِ عظیمِ مردمی، این آگاهی و بصیرتِ عمومی، این پیشرفتِ علمی، این جایگاه برجستهٔ ایران در جهان و در منطقه، اینها همه و همه به‌خاطر این است که آن مانعِ بزرگ از پیش پای ملّت برداشته شد؛ و این را مردم انجام دادند؛ این را دین انجام داد؛ این را اعتقادات انجام داد.^۳

توانمندی و مقاومت ملت ایران

در برابر جبهه استکبار

امروز جبهه استکبار در تلاش و معارضه با این نظام است؛ هیچ‌کس تصوّر نکند که دشمن از دشمنی چشم می‌پوشد؛ نه! آن‌وقتی که شما قوی باشید، آن‌وقتی که شما آماده باشید، آن‌وقتی که شما دشمن را و ترفندهای دشمن را بشناسید، دشمن به‌ناچار از دشمنی دست خواهد کشید؛ آن‌وقتی که شما دچار غفلت باشید، به دشمن اعتماد کنید، آن‌وقت دشمن فرصت پیدا خواهد کرد که مقاصد خود و هدف‌های خود را در کشور به‌وجود بیاورد. فشاری که امروز از ناحیه استکبار بر ملت ایران وارد می‌شود، ناشی از همان دشمنی عظیم و تمام‌نشدنی است؛ دشمنی تمام‌نشدنی است. ملت ایران در مقابل این دشمنی ایستاده است، مقاومت کرده است، نظام جمهوری اسلامی را حفظ کرده است، راه خود را به سمت آرمان‌ها دارد پیش می‌برد؛ علی‌رغم حرف‌های نسنجیده و غلطی که در مورد بی‌توفیقی ملت ایران در این راه

گاهی بر زبان‌ها جاری می‌شود، ملت ایران توفیقات بسیار بزرگی تا امروز به دست آورده است. ملت ایران راه را خوب طی کرده است، ملت ایران توانسته است در مقابل فشارهای دشمن مقاومت کند، توانسته است خود را حفظ کند، توانسته است رشد کند، توانسته است خود را به آرمان‌ها نزدیک کند.^۳

نقش مراکز جاسوسی و اطلاعاتی

در تفرقه بین شیعه و سنی

امروز، هم در بین اهل سنت، هم در بین شیعه، دست‌هایی در کار است برای اینکه اینها را از هم جدا کند؛ همه این دستها هم اگر جستجو کردید، می‌رسد به مراکز جاسوسی و اطلاعاتی دشمنان اسلام؛ نه دشمنان ایران، نه دشمنان شیعه فقط؛ دشمنان اسلام!! آن تشیعی که ارتباط به ام‌آی‌شش انگلیس داشته باشد، آن تسننی که مزدور سی‌آی‌ای آمریکا باشد، نه آن شیعه است، نه آن سنی است؛ هر دو ضد اسلام‌اند.

ما ۳۵ سال است در جمهوری اسلامی این فریاد را داریم می‌زنیم؛ فقط هم نمی‌گوییم، عمل می‌کنیم. کمکی که جمهوری اسلامی به برادران خود در دنیای اسلام تا امروز کرده است، اغلب کمکی بوده است که به برادران اهل سنت کرده است. ما در کنار فلسطینی‌ها ایستادیم، در کنار مردم مؤمن کشورهای منطقه ایستادیم، چون می‌دانستیم مسئله وحدت، امروز در رأس مسائل

اسلامی است. من توصیه می‌کنم، اصرار می‌کنم به علمای اعلام، به روشنفکران دنیای اسلام، به سیاستمداران دنیای اسلام، این قدر دم از تفرقه نزنند. یک عده‌ای در دنیا دارند پول خرج می‌کنند برای اسلام‌هراسی، برای اینکه چهره اسلام را در دنیا خراب کنند، [آن وقت] ما هم در درون خودمان سعی کنیم چهره یکدیگر را خراب کنیم، تخریب کنیم، مردم را از یکدیگر بترسانیم! این خلاف حکمت است، خلاف سیاست است.^۴

ایجاد احساس حقارت در دل‌ها

و غفلت از افتخارات

بنده بعد از آنکه در هر مسابقه‌ای، در هر میدانی جوان‌های ما به پیروزی دست پیدا می‌کنند، به‌طور ویژه تشکر می‌کنم از آنها. چون پیروزی شما، قهرمانی شما احساس افتخار را به ملت ما منتقل می‌کند. برای یک ملت این مهم است. همیشه دشمنان ملت‌ها سعی کردند آن ملت‌ها را تحقیر کنند. تحقیر فقط این نیست که به آنها اهانت کنند یا دشنام بدهند؛ مهم‌ترین تحقیر این است که احساس حقارت را در دل آنها به‌وجود بیاورند. یک ملت هنگامی که از برجستگی‌های خود، امتیازات خود، ارزش‌های خود غفلت کرد، خود را کوچک دید، حقیر دید، این ملت دیگر راه به جایی نخواهد برد؛ هر ناکسی بر چنین ملتی، بر چنین مردمی مسلط خواهد شد. ملت‌ها باید افتخارات خودشان را بشناسند. می‌بینید ملت‌هایی هم که تاریخ درخشانی، گذشته مهمی ندارند، برای خودشان گذشته می‌تراشند، تاریخ درست می‌کنند،

شخصیت درست می‌کنند در فیلم‌های سینمایی و امثال اینها. آن وقت ملّتی مثل ملّت ما با آن گذشته درخشان، با آن قلّه بلندی که در طول تاریخ در تمدّن و فرهنگ و علم و انسانیت بر آن قلّه قرار گرفته، سعی شده است در طول سال‌های متمادی که این ملّت را در دل خود حقیر کنند؛ می‌شنوید، می‌بینید حرف‌هایی که زده می‌شود و افتخارات ملّی نادیده گرفته می‌شود. اینکه یک ملّت احساس افتخار کند، خود این گامی به‌سوی افتخارات بزرگ است.

من از این لذّت می‌برم که می‌بینم جوان ما در میدان ورزشی پیروز می‌شود و این پیروزی را به ملّت خودش تقدیم می‌کند؛ هم به زبان، هم در عمل ملّت را خرسند می‌کند؛ احساس افتخار را به درون دل‌های مردم منتقل می‌کند؛ این برای من نعمت بسیار بزرگی است؛ پیام می‌دهم، تشکر می‌کنم. و آنچه می‌گویم در برابر آنچه در دل احساس می‌کنم، بسی کمتر و کوچک‌تر است؛ بنابراین، از شما متشکریم.^۷

عمق دشمنی آمریکا با ملت ایران

خب! نقطهٔ مقابل [جاذبهٔ انقلاب اسلامی در جهان] چه بود؟ نقطهٔ مقابل، آن قدرت‌هایی بودند که این حرکت عظیم علیه آنها بود؛ در رأس آنها، دولت ایالات متحدهٔ آمریکا. اینها از اینکه یک چنین حرکت عظیم و رو به گسترشی، همهٔ ملت‌های تحت نفوذ اینها را دارد فرا می‌گیرد، به شدت برآشفته و متوحش بودند و وادار به عکس‌العمل شدند و عکس‌العمل‌های تند نشان دادند. اولین علاجه‌ای هم که به ذهنشان رسید، این بود که قانون را خاموش کنند؛ آن مرکزی، آن قانونی را که همهٔ این هیجان‌ها از آنجا برمی‌خیزد، این را خاموش کنند تا به‌طور طبیعی در جاهای دیگر، مسئله از بین برود. لذا هرچه توانستند فشار آوردند.

دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی از روز اول شروع شد؛ این را جوان‌ها بدانند. هرچه توانستند انجام دادند؛ یعنی واقعا هیچ کاری که یک دولتی مثل آمریکا بتواند با یک ملتی، با یک کشوری بکند از لحاظ نظامی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی، از لحاظ ارتباطات فرهنگی وجود ندارد که نکرده باشد؛ هر کاری توانسته‌اند تا امروز انجام داده‌اند. دشمنی آنها با

«انقلاب» بود و هست؛ دشمنی آنها با مردمی است که این انقلاب را پذیرفته‌اند و قبول کرده‌اند. این غلط است که بعضی این‌جور وانمود کنند که دشمنی آمریکا و رژیم مستکبر با اشخاص است - با امام دشمن بودند یا امروز با علی خامنه‌ای دشمن‌اند - این‌جور نیست؛ دشمنی آنها با اصل این مفهوم است، با اصل این حرکت است، با اصل این جهت‌گیری توأم با ایستادگی و استقلال‌طلبی و عزت‌طلبی است و با ملّتی که اینها را پذیرفته است و دارد عمل می‌کند؛ دشمنی با اینهاست. و این دشمنی، آن روز بوده است، امروز هم هست و ادامه دارد. ملّتی که پای این حرف ایستاد در طول این سال‌های متمادی و مشکلات آن را تحمل کرد، برایشان مبعوض است. بعضی از سیاستمداران آمریکایی خطا کردند و در لفظ هم همین را گفتند؛ در این چند سال گذشته از دهنشان در رفت، تصریح کردند که با ملّت ایران دشمن‌اند؛ با ملّت ایران مخالف‌اند؛ امروز هم هر حرکتی از سوی آمریکایی‌ها و هم‌پیمانانشان و همراهانشان انجام می‌گیرد، برای به زانو درآوردن ملّت ایران است؛ برای تحقیر ملّت ایران است.^{۱۲}

تحریم و تهدید دشمن

در مقابل تمدن نوین اسلامی

دشمن حداکثر استفاده را از حربۀ تحریم دارد می‌کند؛ هدفشان هم این است که ملت ایران را تحقیر کنند؛ هدفشان این است که این حرکت عظیمی را که فقط روی دوش ملت ایران می‌توانست انجام بگیرد، متوقف کنند. حرکت انقلاب اسلامی، حرکت نظام اسلامی، حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی را می‌خواهند متوقف کنند؛ چون می‌دانند این حرکت درست نقطه مقابل منافع سرمایه‌دارهای صهیونیست و کمپانی‌دارهای ظالم و خون‌خوار دنیاست. این را می‌فهمند و می‌بینند که این حرکت چطور در دنیا دارد توسعه پیدا می‌کند و ملت‌ها را متوجه خودش می‌کند؛ می‌خواهند جلوی این را بگیرند. این تحریم‌ها و این تهدیدها و این شروط و شروط کردن‌ها به خاطر این است.^{۱۳}

افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی

ضرورت اتحاد و اتفاق ملی

و اجتناب از دو دسته کردن مردم

امروز آن چیزی که لازم است برای ملت ما، اولاً اتحاد و اتفاق ملی است. دو دسته کردن مردم، جدا کردن مردم، شعارهای تفرقه‌انگیز دادن میان مردم - به هر عنوانی - خطاست؛ این بر ضدّ منافع ملت ایران و بر ضدّ آرمان‌های ملت ایران است. اتحاد و اتفاق. مردم مسئولین را کمک کنند، دولت را کمک کنند.

دولتی‌ها هم بدانند که آنچه می‌تواند آنها را بر انجام وظیفه خودشان قادر کند، تکیه بر نیروی داخلی است؛ تکیه بر نیروی مردم است.^۳

نقش نسل سوّم انقلاب در

مقابله با توطئه تحریف حقایق انقلاب

نوزدهم دی را شما زنده نگه داشتید، بیست و نهم بهمن را زنده نگه داشتید، بیست و دوم بهمن را زنده نگه داشتید، نهم دی را - که یک حادثه مشابه بود - با انگیزه‌های مشخص زنده نگه داشتید؛ این یک حرکت مجاهدت‌آمیز در مقابل دشمنان است، آنها می‌خواهند حقایق انقلاب تحریف بشود، به دست فراموشی سپرده بشود؛ پول خرج می‌کنند، کار دارند می‌کنند. کسی که آشنا باشد، آگاه باشد با دنیای کتاب و مطبوعات و مقاله، می‌بیند که دشمنان چه کار دارند می‌کنند؛ امروز اینها سعی می‌کنند چهره خاندان خبیث و منحوس پهلوی را - رژیم فاسد و وابسته و خبیث و ظالم که کشور ما را سال‌های متمادی به عقب انداختند و ملت ایران را آن‌جور دچار مشکلات عظیم کردند - بزک کنند، آرایش کنند امروز سعی می‌شود [توسط] همان جبهه مقابل نظام اسلامی. پشتیبان‌ها همان کسانی هستند که با اصل انقلاب

مخالف بودند، با مردمی که انقلاب کردند مخالف بودند، با وفاداری این مردم به انقلاب به شدت مخالف‌اند. تاکنون موفق نشدند؛ امید بسته بودند بلکه بتوانند نسل دوّم و سوّم انقلاب را روی گردان کنند، نتوانستند. نسل سوم انقلاب را نتوانستند از انقلاب روی گردان کنند. نهم دی را همین جوان‌ها، همین نسل سوّم انقلاب به راه انداختند؛ آن حادثه عظیم را به وجود آوردند؛ آن سیلی محکم را به صورت کسانی نواختند که سعی‌شان این بود که مسیر حرکت اسلامی را با ایجاد فتنه منحرف بکنند؛ این کار را چه کسی کرد؟ جوان‌ها کردند، نسل سوّم انقلاب کردند. امروز چشم دوختند به نسل‌های بعدی، به جوان‌های بعدی، چون می‌دانند سرمایه ملّت ایران مردم‌اند. این انگیزه‌ها در آنها وجود دارد؛ تا وقتی شما جوان‌های خوب و مردم مؤمن در میدان هستید، با انگیزه هستید، با بصیرتید، آگاهید که چه کار دارید می‌کنید، البتّه نخواهند توانست.^۳

دو دستگی و حاشیه‌سازی ممنوع

خب! مسئولین کشور بحمدالله مشغول‌اند، تلاش می‌کنند، کار می‌کنند، بنده هم عقیده‌ام این است که همه باید به دستگاه‌های مسئول کمک کنند، به دولت همه باید کمک کنند؛ چون کار سخت است، دشوار است. دولتی‌ها هم مراقب باشند، دو دستگی در مردم به‌وجود نیاورند، حاشیه‌سازی نکنند، بعضی حرف‌های غیرلازم مطرح نشود؛ این یکپارچگی مردم ما، این همت بلند مردم ما، این ایمان مردم ما، درست مورد استفاده قرار بگیرد، ان‌شاءالله راه این کشور باز بشود.^۳

وحدت نیاز درجهٔ اوّل دنیای اسلام

من و شما مسلمانانی که مدّعی پیروی از این بزرگوار [پیامبر اسلام ﷺ] هستیم و به این افتخار می‌کنیم و در راه آن حاضریم ایستادگی کنیم و جان و مال در راه آن مصرف کنیم، احتیاج داریم به اینکه خود را دنباله‌رو این تعالیم - که پیام اسلام متضمّن آن است، یعنی همین علم و عقل و حکمت و

رحمت و وحدت و اخلاق و خصال انسانی که پیام پیامبر اسلام متضمّن اینها بود و حضرت ابی‌عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه‌الصّلاه و السّلام گسترده‌ترین تلاش‌ها را برای توسعه این مفاهیم و تحقق این تعالیم متحمّل شد - بدانیم و برای آنها تلاش کنیم؛ این وظیفه امروز همه مسلمان‌ها است.

البته توده‌های مردم دنباله‌رو مسئولان کشورها هستند. دولت‌ها، نخبگان، روشنفکران، علما، سیاستمداران و مانند اینها هستند که وظیفه اصلی را در این میدان وسیع به عهده دارند. و من امروز وقتی نگاه می‌کنم به مسائل جامعه خودمان و مسائل دنیای اسلام، می‌بینم اگرچه همه این محتواهای بزرگ مهم است - برای دنیای اسلام، هم علم مهم است، هم خردورزی مهم است، هم اخلاق مهم است - لکن آنچه امروز در درجه اوّل اولویت برای دنیای اسلام قرار دارد، وحدت است. ما مسلمان‌ها خیلی از هم دور شدیم؛ سیاست‌ها در این زمینه، تلاش متأسفانه موقّعی انجام دادند که مسلمان‌ها را، دل‌های گروه‌های مُسلم را از یکدیگر جدا کنند. امروز به وحدت احتیاج داریم.^۴

وحدت

مایهٔ عظمت و شخصیت امت اسلامی

اگر ملّت‌های کشورهای اسلامی در همهٔ این منطقهٔ وسیع - که یک کسر بسیار بزرگی از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند - نه در جزئیات، [بلکه] در جهت‌گیری‌های کلی با یکدیگر همراه باشند، دنیای اسلام به اوج ترقّی و تعالی خواهد رسید؛ [اینکه] در مسائل کلی کنار هم دیده بشوند؛ همین دیده شدن در کنار هم تأثیر دارد. اینکه رؤسای کشورهای اسلامی یا روشنفکران کشورهای اسلامی علیه یکدیگر حرف بزنند - ولو فقط حرف باشد - دشمن را جری می‌کند؛ به دشمن امید می‌دهد؛ همچنان‌که واقعیت امروز، همین است. همین‌قدر که ما ولو در اظهاراتمان کنار یکدیگر قرار بگیریم، عظمت می‌بخشد به دنیای اسلام؛ عظمت می‌بخشد به شخصیت امت اسلامی.

هرجا نمونه‌هایی از این اجتماع را ما مشاهده کردیم، ولو تن‌ها، جسم‌ها در کنار هم قرار گرفتند،

دیدیم انعکاس آن در دنیا مایه شرف و آبروی اسلام و مسلمین شد؛ مایه آبروی پیغمبر شد. نماز عید را که می‌خوانیم، کنار هم قرار می‌گیریم، می‌گوییم: «الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَامَةً وَ مَزِيدًا»؛ (الاقبال، ص ۲۸۹، ذکر قنوت نماز عید فطر) صرف کنار هم قرار گرفتن جسم‌ها در نماز، برای پیغمبر مایه شرف است؛ برای امت اسلامی مایه اعزاز و احترام است. اجتماع حج همین جور است.^۴

حرکت عزّت آفرین اربعین حسینی

امسال شما ملاحظه کردید در اربعین حسینی میلیون‌ها انسان در کنار هم قرار گرفتند؛ خود این حرکت عظیم یک جمعی از مسلمان‌ها - البته مخصوص شیعه نبود، سنی‌ها هم بودند - که در دنیا انعکاس پیدا کرد، تعظیم کردند؛ تجلیل کردند؛ آن را بزرگ‌ترین گردهمایی عالم به حساب آوردند؛ چه کسانی؟ آنهایی که دارند مسائل اسلامی را رصد می‌کنند.

من همین‌جا مناسب می‌دانم و لازم می‌دانم به مناسبت یاد از آن اجتماع عظیم، از دولت عراق، ملت عراق، عشایر عراق که در این آزمون بسیار مهم فداکاری کردند، خدمت کردند، گرم و بزرگواری نشان دادند، تشکر کنم. حادثه عجیبی بود حادثه امسال اربعین کربلا. این راه را دشمنان اسلام و دشمنان اهل‌بیت به خیال خود مسدود کرده بودند. ببینید چه حرکت عظیمی اتفاق افتاد! وقتی حتی جسم‌ها در کنار هم قرار می‌گیرد، این جور انعکاس پیدا می‌کند. اگر ما با هم باشیم،

کشورهای اسلامی، ملّت‌های مسلمان - سنی و شیعه و فرّق مختلف تسنّن و تشیع - با یکدیگر دل‌هایشان صاف باشد، نسبت به یکدیگر سوءظن نداشته باشند، سوءنیت نداشته باشند، به یکدیگر اهانت نکنند، ببینید در دنیا چه اتّفاقی خواهد افتاد؛ چه عزّت‌ی برای اسلام درست خواهد شد! وحدت؛ وحدت!.^۴

وظیفه همه مسلمانان

اندیشیدن به اتحاد امت اسلامی

امروز بحمدالله ملت ایران این بصیرت، این آگاهی، این معرفت والا را یافته است که بدانند مصلحت آینده کشورش بستگی دارد به اتحاد اسلامی، با ملت‌های مسلمان و با کشورهای دیگر. البته تلاش می‌کنند کسانی، کوشش می‌کنند، سعی می‌کنند، اختلال ایجاد کنند، بدبینی ایجاد کنند، وسوسه بکنند لکن ملت بحمدالله این را ملت ما امروز فهمیده است. این فریاد امام بزرگوار ما - از قبل از پیروزی انقلاب، بعد هم از آغاز تشکیل نظام اسلامی به مسئله وحدت - کار خود را کرد، مردم ما آگاه شدند؛ این وظیفه همه است. امروز باید همه مسلمانان در اقصی نقاط عالم، به امت اسلامی بیندیشند، به وحدت اسلامی بیندیشند؛ اگر ما به امت اسلامی فکر کردیم، منافع کشورهایمان هم تأمین خواهد شد. مصلحت دشمن این است که ما را از هم جدا کند، به یک کشور حمله کند، از کشور دیگری یارگیری کند؛ مصلحت دشمن در

این است، ما نباید بگذاریم. دشمن کیست؟ دشمن، سرمایه‌داری آمریکا و استکبار جهانی است که امروز در رأس آن، آمریکا و صهیونیست‌ها - عناصر صهیونیست - که دولت صهیونیست در فلسطین اشغالی هم یک بخشی از آن مجموعه خطرناک و آن سرطان مهلکی است که صهیونیست‌ها در دنیا به وجود آوردند. در مقابل اینها بایستی ایستاد، در مقابل اینها بایستی به اسلام مراجعه کرد، به متون قرآن مراجعه کرد.

انسان می‌بیند و نوشته‌هایی را مشاهده می‌کند گاهی چیزهایی بعضی می‌گویند و می‌نویسند که با توجه به آیات قرآن نوشته نشده است. قرآن می‌فرماید که: «قُولُوا ءَامَنَّا بِاللّٰهِ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرٰهٖمَ وَ إِسْمٰعِیلَ وَ ... وَ مَا أُوتِيَ مُوسٰی وَ عِیْسٰی وَ مَا أُوتِيَ النَّبِیُّونَ»، (بقره ۱۳۶) بگویند: ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و... داده شده، و به آنچه به همه پیامبران، ایمان آورده‌ایم... بعد از آنکه همه آن شرایع قبلی را ذکر می‌کند که وظیفه مسلمان این است که به آنها اعتقاد داشته باشد، بعد

می فرماید: «فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا». (بقره ۱۳۷) [پس اگر آنان [هم] به آنچه شما بدان ایمان آورده‌اید، ایمان آورده‌اند، قطعاً هدایت شده‌اند]. اسلام پلورالیسم را قبول ندارد؛ آنهایی که ترویج می‌کنند که «اسلام چون از حضرت موسی و حضرت عیسی تجلیل کرده است، قائل به پلورالیسم است»، به قرآن مراجعه کنند، متون اسلامی را ملاحظه کنند؛ از روی بی‌اطلاعی و از روی غفلت، یک مطلبی را ذکر می‌کنند؛ اسلام این است: «فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ»؛ (بقره ۱۳۷) ... ولی اگر روی برتافتند، جز این نیست که سرِ ستیز [و جدایی] دارند؛ و بزودی خداوند [شر] آنان را از تو کفایت خواهد کرد. این معنای قرآن [است]. آن وقت در بین مسلمانان «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ»؛ (توبه ۱۲۸) درباره پیغمبر می‌فرماید که «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»؛ (توبه ۱۲۸) ... به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است. نسبت به مؤمن دارای رأفت [اما] «أَشَدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ (فتح ۲۹) [برکافران، سخت‌گیر، با همدیگر مهربانند]. در مقابل کسانی که با شما

دشمنی می‌کنند و دشمن شما هستند «أَشْدَاءُ» باشید؛ یعنی سخت باشید؛ مثل خاگریزِ نرم نباشید که دشمن از هرجا خواست بتواند در شما نفوذ کند؛ مستحکم باشید، ایستاده باشید اَمَّا «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»، بین خودتان، دل‌هایتان با هم صاف باشد، با هم مهربان باشید؛ اسم‌ها نتواند شما را از هم جدا کند، مرزهای جغرافیایی نتواند شما را با هم دشمن کند، مرزهای جغرافیایی نتواند ملت‌ها را در مقابل هم قرار بدهد؛ این از آن درس‌های پیغمبر است. ما امروز - روز ولادت نبی اکرم - خوب است درس بگیریم؛ فقط تجلیل کردن و تعریف کردن از پیغمبر، کاری نیست که امروز از ما انتظار می‌رود؛ باید درس بگیریم، باید بخواهیم که آنچه را پیغمبر برای آن مبعوث شده است، تحقق ببخشیم که عرض کردم اولویت، امروز در دنیای اسلام اتحاد است. امیدواریم خداوند متعال موفق بدارد همه ما را که به آنچه می‌گوییم عمل کنیم؛ پروردگارا! دنیای اسلام و امت اسلامی را روز به روز قوی‌تر و سربلندتر بفرما.^۴

برخورد اسلام با پیروان ادیان دیگر

ما از اسلام آموخته‌ایم که باید با پیروان ادیان دیگر با انصاف و عدالت برخورد کرد؛ این حکم اسلام به ماست. آنچه امروز در دنیا مشاهده می‌شود، این است که قدرت‌ها و دولت‌های مدّعی انصاف و عدالت، هیچ انصاف و عدالتی را جز در دایرهٔ سیاست‌های تنگ و محدود و ظالمانهٔ خودشان ملاحظه و مراعات نمی‌کنند. شما امروز می‌بینید در اروپا، در آمریکا، علیه مسلمان‌ها چه تبلیغاتی انجام می‌گیرد. بحث این نیست که چرا مسلمان‌ها آزادی لازم را در بسیاری از این کشورها ندارند؛ بحث بر سر این است که چرا امنیت جانی ندارند! یعنی حقیقتاً این جوری است.

همین فیلم «تک‌تیرانداز» (فیلم «تک‌تیرانداز آمریکایی» از ژانویهٔ سال ۲۰۱۵ اکران شده است. این فیلم بر اساس کتابی به همین نام نوشتهٔ «کریس کایل» ساخته شده و داستان زندگی واقعی نویسندهٔ کتاب است که سرباز نیروی دریایی آمریکا بوده و به‌مرور تبدیل به ماشین آدم‌کشی ارتش آمریکا می‌شود و رکورد بیشترین کشتن در جنگ به‌عنوان تک‌تیرانداز را از آن خود می‌کند! این فیلم در چند بخش، نامزد دریافت جایزهٔ اسکار شده است.) که حالا سروصدایش بلند شده و هالیوود آن را درست

کرده، تشویق می‌کند یک جوان مثلاً فرض کنید مسیحی یا غیر مسلمان را که تا آنجایی که می‌تواند و از دستش برمی‌آید، مسلمان را اذیت بکند، اصلاً تشویق می‌کند این معنا را؛ آن‌طور که نقل کردند، ما که این فیلم را ندیدیم. این روش روشِ مورد پسند اسلام نیست؛ اسلام معتقد است به انصاف. امیرالمؤمنین علیه الصّلاة والسلام در آن قضیه حمله به شهر انبار (نهج البلاغه، خطبه ۲۷) می‌فرماید: «بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيَدْخُلُ الْمَرْأَةَ الْمُسْلِمَةَ وَ الْآخَرَى الْمُعَاهِدَةَ»؛ من شنیده‌ام این افرادی که حمله کردند به این شهر، وارد خانه زن مسلمان و زن غیر مسلمان - معاهده یعنی یهود و نصاری که پیمان دارند و در زیر سایه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند - می‌شوند و «يَأْخُذُ حِجْلَهَا» و اذیت می‌کنند اینها را، آزار می‌کنند، ظلم می‌کنند. بعد حضرت می‌فرماید که اگر مسلمان از این غم بمیرد، مورد ملامت نیست! ملاحظه می‌کنید، این امیرالمؤمنین است. اگر مسلمان از غصه این بمیرد که سپاهیان

دشمن و غارتگران، وارد خانه یک زن غیر مسلمان شدند و او را مورد آزار و اذیت قرار دادند و دستبند او را و «حِجَل» (خلخال) او را گرفتند، ملامت نباید بشود؛ ملامت نمی‌شود. نظر اسلام این است. ... چقدر شما شنیده‌اید مثلاً در آلمان، جوان‌های نئونازی ... حمله می‌کنند به یک مشت مسلمان، به مسجد مسلمان‌ها؛ می‌زنند، می‌کشند، تعقیب درست و حسابی‌ای هم نمی‌شوند؛ ما هم نشنیده‌ایم. یا آن دختر خانم جوان عرب را که مثلاً فرض کنید که مقنعه داشته یا پوشیه (روبنده) داشته، به‌خاطر حجابش می‌زنند می‌کشند و هیچ‌کس اصلاً دنبال هم نمی‌کند؛ حالا گفتند یک مجازاتی کردند؛ آدم فکر نمی‌کند که خیلی جدی اینها تعقیب می‌شود؛ واقعاً تعقیب هم نمی‌کنند. در جاهای دیگر هم همین‌جور؛ در آمریکا و جاهای دیگر و کشورهای دیگر هم متأسفانه همین‌جور است؛ که خب! اینها مدعی حقوق بشر هم هستند! اینها را مقایسه کنند با آنچه در ایران می‌گذرد. این چنین چیزی در ایران سابقه ندارد؛ یعنی در دوران

اسلامی و جمهوری اسلامی، تعرّض به غیر
مسلمان از سوی مسلمان‌ها هیچ سابقه‌ای ندارد.
همان جوان حزب‌اللّهی تند و داغ هم هرگز به
خودش اجازه نمی‌دهد که به یک غیرمسلمانی
تهاجم و حمله بکند و مانند اینها.^{۱۰}

خطای محاسباتی

و شکست‌های آمریکا در منطقه

[آمریکایی‌ها] دچار خطایند؛ دچار اشتباه در تحلیل‌اند؛ این یک واقعیته است که آمریکایی‌ها در تحلیل حوادث این منطقه و به‌طور خاص تحلیل حوادث کشور عزیز ما دچار خطایند؛ دچار اشتباه‌های راهبردی هستند؛ همین خطاها هم هست که به آنها دارد مرتباً صدمه می‌زند، ضربه می‌زند و ناکامشان می‌کند؛ خطای محاسباتی دارند.

[یک] مسئول آمریکایی (ویلیام کوهن) همین چند روز قبل از این می‌گوید که: ایرانی‌ها گیر افتاده‌اند؛ ایرانی‌ها در قضایای هسته‌ای، با دست بسته پشت میز مذاکره حاضر می‌شوند. خب! این خطای محاسباتی است؛ ایرانی‌ها گیر نیفتاده‌اند، حالا شما در بیست و دوم بهمن ان‌شاءالله خواهید دید ملت ایران چه خواهد کرد و چه حضوری خواهد داشت؛ آن وقت معلوم می‌شود که آیا دست ملت ایران بسته است؟ دست ملت ایران بسته نیست و این را در عمل نشان داده است و بعد از این هم نشان خواهد داد؛ مسئولین هم همین‌جور؛ مسئولین کشور هم ان‌شاءالله با ابتکارات خودشان، با شجاعت

خودشان نشان خواهند داد که دست ملت ایران بسته نیست. او تصوّر می‌کند که ایران را در سه‌کنج گیر انداخته! می‌گوید: پشت ایرانی‌ها به دیوار رسیده است! نه آقا، اشتباه می‌کنید! شما هستید که دچار مشکل‌اید. همه واقعیتهای منطقه ما نشان‌دهنده این است که آمریکا در اهداف خود در این منطقه و در بیرون این منطقه شکست خورده است. آمریکا در سوریه شکست خورد، آمریکا در عراق شکست خورد، آمریکا در لبنان شکست خورد، آمریکا در قضیه فلسطین شکست خورده است، آمریکا در غزه شکست خورده است، آمریکا در تسلط بر مسائل افغانستان و پاکستان شکست خورده است، در بین آن ملت‌ها منفور است؛ در خارج از این منطقه هم همین‌طور است؛ آمریکا در اوکراین شکست خورده است؛ شما هستید که دچار شکست شدید؛ سال‌های متمادی است شکست پشت سر شکست!

جمهوری اسلامی پیش رفته است. امروز جمهوری اسلامی با نظام جمهوری اسلامی در ۳۵ سال قبل، قابل مقایسه نیست. تراکم تجربه‌ها، تراکم کارها، پیشرفت‌های فراوان، نفوذ عظیم منطقه‌ای، رسوخ مبانی انقلاب در اعماق دل‌های جوانان این کشور؛ اینها چیزهای کوچکی است؟ این حوادث وجود دارد؛ اینها حقایق است.^{۱۲}

پیشرفت‌های قدرتمندانه ایران

و خطاهای محاسباتی آمریکا

[آمریکایی‌ها] در مورد مسائل گوناگون دچار همین خطای محاسباتی هستند. به فضل پروردگار، با همت مردم، با همت شما جوان‌ها در همه جای کشور، در همه بخش‌های گوناگون دیگر هم شبیه همین فعالیت‌هایی که ... در نیروی هوایی انجام گرفته است، در یک سطح وسیعی، در همه دستگاه‌های کشور در حال انجام است؛ آن هم در حال تحریم، آن هم درحالی‌که دشمنان تحریم کرده‌اند؛ ما در علوم پیشرفت داریم، در فناوری پیشرفت داریم، در مسائل گوناگون اجتماعی پیشرفت داریم، در مسائل گوناگون بین‌المللی پیشرفت داریم؛ تجربیات گوناگون، پی‌درپی برای جمهوری اسلامی یک ذخیره ارزشمند دارد به‌وجود می‌آورد. ما داریم جلو می‌رویم و پیشرفت می‌کنیم، علی‌رغم دشمن، به کوری چشم دشمن؛ آنها هستند که نتوانستند. آنها می‌خواستند این ریشه را قلع و قمع کنند، آنها حاضر نبودند نظام

جمهوری اسلامی را تحمّل کنند، [اما] امروز
مجبوراند نظام جمهوری اسلامی را تحمّل کنند.
در مسائل گوناگون هم با طرق مختلف سیاسی،
امنیتی، اقتصادی، فرهنگی - انواع و اقسام ترفندها -
هر ضربه‌ای که بتوانند وارد می‌کنند لکن بی نتیجه
است؛ جمهوری اسلامی، با قدرت در حال
پیشرفت کردن است.^{۱۲}

اقتدار ملی

بیست و دوم بهمن

روز ضربه متقابل و به زانو در آوردن دشمن

ان شاء الله در بیست و دوم بهمن، ملت ایران نشان خواهد داد که کسی که ملت ایران را بخواد تحقیر کند، با ضربه متقابل ملت ایران مواجه خواهد شد. همه ملت ایران، همه دلسوزان، در این جهت متفقاند که عزت ملی برای یک کشور، بسیار بسیار مهم است. اگر عزت بود، امنیت هم خواهد آمد؛ اگر امنیت بود، پیشرفت هم عملی خواهد بود؛ والا اگر یک ملت تحقیر شد، همه چیز او به بازی گرفته خواهد شد؛ حتی امنیت او، حتی ثروت او، و همه چیز او. عزت ملی بایستی محفوظ بماند و مسئولین این را می دانند و ملت ایران ان شاء الله در بیست و دوم بهمن با حضور خود، با نشان دادن اقتدار خود، با نشان دادن عزم راسخ خود، ان شاء الله دشمن را به زانو در خواهد آورد.^{۱۲}

حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب

تحسین ملت ایران

به‌خاطر اقتدار و ایستادگی و استعدادش

ما همیشه می‌گوییم، بارها گفتیم که: ما نتوانستیم خواسته‌های اسلام را به‌طور کامل تحقق ببخشیم، این قطعی است؛ اما ما راه زیادی در این زمینه طی کردیم. ما نتوانستیم عدالت اجتماعی را به‌طور کامل در این کشور به‌وجود بیاوریم. اما خیلی از راه را جلو آمدیم. نباید اینها ندیده گرفته بشود. یک‌روزی همه ثروت این کشور صرف تعدادی خانواده‌های اشرافی [می‌شد] و احياناً سرریز آن به چند شهر بزرگ می‌رسید؛ امروز اقصی نقاط کشور برخوردار از خیرات این کشورند. این حرکت عظیم، حرکت به سمت عدالت اجتماعی، حرکت به سمت اخلاق اسلامی [وجود دارد]. حالا می‌شنویم گاهی اوقات راجع به اخلاق حرف زده می‌شود، انتقاد می‌کنند؛ بله! با آن اخلاق اسلامی مطلوب، امروز ما فاصله داریم، در این شکی نیست؛ اما ما خیلی پیش رفتیم، راه

زیادی را ملّت ایران طی کردند، اینها را ندیده
 نگیرند. پیشرفت‌های علمی را بعضی‌ها نابخردانه
 انکار می‌کنند؛ چرا انکار می‌کنید؟ این ملّت
 پیشرفت علمی کرده است، اینکه ادّعای ما نیست،
 این را دشمنان ما، پایگاه‌های علمی بین‌المللی
 دارند شهادت می‌دهند؛ آن‌وقت یک عدّه‌ای بیایند
 انکار کنند، ملّت را تحقیر کنند؛ اینها خطا است،
 ندیدن آن حرکت عظیم و پیشرفت بزرگی که نظام
 مقدّس اسلامی برای این کشور پیش آورده است،
 بی‌انصافی است، خطا است.

بله! البتّه راه طولانی‌ای در پیش داریم؛ ما به
 آرمان‌هایمان هنوز نرسیده‌ایم؛ آرمان‌های اسلامی
 خیلی بالاتر از این حرف‌ها است. در صدر اسلام
 هم همین حرکت وجود داشت؛ آنجا هم میانه راه
 بودند. شما خیال نکنید در صدر اسلام، در زمان
 پیامبر مکرّم و خلفای آن حضرت، مردم به نهایت
 آرمان‌ها رسیدند؛ نه! مهم این است که یک کشور
 حرکت بکند؛ ملّت ما در حال حرکت است. این
 حرکت را با حرف‌های نسنجیده، با اظهارات

نایخته و غلط خراب نکنند. کاری نکنند که در ملت از این حرکت عظیمی که شروع کرده است و با امید دارد پیش می‌رود، تردید ایجاد کند. ملت پیش رفته است؛ کارهای بزرگی انجام گرفته است؛ این را دنیا دارد شهادت می‌دهد. کسانی که از کشورهای دیگر می‌آیند، آنها دارند شهادت می‌دهند؛ زبان به تحسین ملت ایران را فقط ما باز نکردیم، مخالفین ما هم باز کردند، دشمنان ما هم باز کردند. ملت ایران دارد تحسین می‌شود به‌خاطر اقتدارش، به‌خاطر ایستادگی‌اش، به‌خاطر استعدادش، به‌خاطر توفیقات بزرگی که در این راه به دست آورده است؛ تحسین می‌کنند ملت ایران را.^۳

خضوع و خشوع دشمنان

در مقابل پیشرفت کشور

من به شما عرض می‌کنم، همچنان‌که امروز با
اوّل انقلاب ما از زمین تا آسمان تفاوت کردیم - ما
خیلی پیش رفتیم، ما با بیست سال پیش هم تفاوت
کردیم، با ده سال پیش هم تفاوت کردیم، جلو
رفتیم - مطمئناً ملت ایران این راه افتخارآمیز را
روزبه‌روز جلو خواهد رفت و ملت ایران، همین
شما جوان‌ها به توفیق الهی، به فضل پروردگار
خواهید دید آن روزی را که دشمنان مستکبر
گردنکشِ ظالم پُرروی شما، در مقابل شما مجبور
به خضوع و خشوع بشوند.^۳

مواضع جمهوری اسلامی در مسئله هسته ای

[آمریکایی‌ها] مسئله هسته‌ای را به‌عنوان یک نمونه‌ای در دست گرفته‌اند و این جور وانمود می‌کنند که جمهوری اسلامی در قضیه هسته‌ای درمانده است؛ قضیه این جور نیست.

من همین‌جا این را بگویم: اولاً بنده با توافقی که بتواند انجام بگیرد، موافقم؛ البته توافقی بد نه. آمریکایی‌ها مکرر تکرار می‌کنند و می‌گویند «ما معتقدیم که توافق نکردن، بهتر از توافق بد کردن است»؛ بله! ما هم همین عقیده را داریم؛ ما هم معتقدیم که توافق نکردن، بهتر است از توافق بد، توافقی که به ضرر منافع ملی است، توافقی که موجب تحقیر ملت بزرگ و با عظمت ایران است.

ثانیا این را هم همه بدانند: مسئولین ما و هیئت مذاکره‌کننده[ما] و دولت ما همه تلاششان را دارند می‌کنند که حربه تحریم را از دست دشمن خارج کنند. تلاش آنها برای این است که حربه تحریم را از دست این دشمن غدار بیرون بیاورند. البته اگر توانستند، چه بهتر. [اما] اگر نتوانستند، همه بدانند، هم دشمنان ما بدانند، هم دوستان ما در دنیا بدانند، در داخل

راهکارهای فراوانی وجود دارد که حربۀ دشمن را کند می‌کند. این جور نیست که تصوّر کنیم حربۀ تحریم، بلاشک یک حربۀ کاری است؛ نخیر! ما اگر همّت کنیم، ما اگر به داشته‌های خودمان درست توجّه کنیم - که خب این روحیه بحمدالله هست - می‌توان حربۀ تحریم را کند کرد، ولو از دست دشمن نتوان خارج کرد. ثالثاً در این قضیه، یک نکته خوبی را رئیس‌جمهور محترم، چندی پیش در یک سخنرانی‌ای برزبان آوردند و آن اینکه مذاکره معنایش این است که دو طرف سعی کنند به نقطۀ مشترک برسند؛ خب! این معنایش این است که یک‌طرف نخواهد همه آنچه را مورد علاقۀ او و مورد توقّع اوست، تحقّق پیدا کند. آمریکایی‌ها این‌جورند. آمریکایی‌ها و چند کشور اروپایی - که مثل بچه دنبال آمریکا در حرکت‌اند و واقعا اشتباه هم دارند می‌کنند، دچار یک اشتباه راهبردی هستند این کشورهای اروپایی تابع آمریکا - با پرتوقّعی تمام، حرفشان این است که همان‌چه آنها می‌خواهند، با همان خصوصیات که آنها می‌خواهند، بایستی تحقّق پیدا کند؛ خب! این غلط است. این راه مذاکره نیست. طرف ایرانی، برخی از کارهایی که

می‌توانست او را به توافق نزدیک کند، انجام داده است. کارهای متعددی را انجام داده: گسترش و توسعه ماشین‌های غنی‌سازی را متوقف کرده، خب! این را لازم دانستند که یک برهه‌ای متوقف کنند؛ تولید اورانیوم بیست درصد را - که یک کار بسیار بزرگی است رسیدن به دانش و فناوری بیست درصد، کار بسیار بزرگی بود؛ این را کسانی که اهل فن‌اند می‌دانند که رسیدن از پنج درصد به بیست درصد، اهمیتش خیلی بیشتر است از رسیدن از بیست درصد به بالا؛ این کار بزرگ را جوانان ما و فناوران متعهد ما انجام دادند - متوقف کردند، اقتضای مذاکره این بود که متوقف بکنند؛ کارخانه اراک را که یکی از کارهای بسیار بزرگ و مهم فناوری و یک هنر بزرگ فناوری است، فعلاً متوقف کرده‌اند؛ فردو را که یکی از برترین ابتکارهایی است که نیروهای ما و عناصر داخلی ما آن را برای امنیت دستگاه‌های سانتریفیوژ ما توانستند تأمین بکنند و تضمین بکنند، فعلاً متوقف کرده‌اند. این همه کارهای بزرگ انجام داده‌اند. طرف ایرانی، بنابراین منطقی عمل کرده است. طبق منطق مذاکره عمل کرده است. طرف مقابل زیاده‌خواهی می‌کند، پرویی

می‌کند، باج‌خواهی می‌کند؛ خب! مسئولین ما اگر چنانچه در این زمینه‌ها ایستادگی نشان بدهند، حق با آنهاست. کسی نباید آنها را ملامت بکند، باید ایستادگی به خرج بدهند و دارند به خرج می‌دهند، ایستادگی به خرج می‌دهند. یعنی جمهوری اسلامی از آغاز و در مسائل گوناگون، با منطق حرکت کرد؛ ما در جنگ تحمیلی، منطق را مبنای کار خودمان قرار دادیم؛ در قبول قطعنامه، منطقی عمل کردیم؛ در قضایای گوناگونی که بعد از جنگ تا امروز وجود داشته است، همه جا بر اساس منطق و استدلال عمل کردیم؛ هیچ کجا جمهوری اسلامی بی‌منطقی نشان نداده است؛ در این قضیه هم با منطق دارد حرکت می‌کند. متتها طرف مقابل منطق سرش نمی‌شود؛ طرف مقابل هم به بی‌منطقی با تکیه بر زور - خود آنها هم می‌گویند که ما توانسته‌ایم ایران را وادار کنیم که دستگاه‌های هسته‌ای را گسترش ندهد، فلان چیز را متوقف کند، فلان چیز را تعطیل کند؛ راست می‌گویند، این کارها را جمهوری اسلامی بر طبق منطق مذاکرات انجام داده است - اقرار می‌کند؛ متتها زیاده‌خواهی می‌کنند. خب! ملت ایران زیر بار زیاده‌خواهی و زورگویی نخواهد رفت.

ما با پیشرفت این کاری که مسئولین دولتی ما شروع کرده‌اند و تلاش هم دارند می‌کنند - واقعا دارند تلاش می‌کنند و وقت می‌گذارند و نیرو صرف می‌کنند - موافقیم؛ به یک توافق خوب هم اگر برسد موافقیم. بنده هم موافقم، مطمئنم که ملت ایران هم آن توافقی را که در آن عزّت او محفوظ بماند، احترامش محفوظ بماند، منافعش حفظ بشود، مخالفتی ندارد، موافقت خواهد کرد؛ منتها باید این خصوصیات، بلاشک ملاحظه بشود؛ باید تکریم و حرمت ملت ایران و مسئله اساسی مهمّی که عبارت است از پیشرفت ملت ایران، محفوظ بشود و محفوظ بماند.

ملت ایران عادت نکرده است که به زورگویی دشمنان گوش فرا بدهد و تسلیم زورگویی و باج‌خواهی بشود؛ آن‌طرف هرکه باشد، آمریکا باشد[یا دیگران]. یک‌روزی آمریکا و شوروی سابق، در مقابل جمهوری اسلامی دست به دست هم داده بودند و با همه اختلافاتی که داشتند، زور می‌گفتند؛ جمهوری اسلامی زیر بار زور آنها نرفت، جمهوری اسلامی پیروز شد، جمهوری اسلامی موفق شد؛ امروز هم همین‌جور خواهد بود. امروز هم ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، زیر بار زور نخواهد رفت.^{۱۲}

نوزدهم بهمن، یک مضمون پرمغز و ماندگار

مسئله نوزدهم بهمن که شما هر سال این روز را گرامی می‌دارید، فراتر از یادآوری یک خاطره شیرین است؛ بله! خاطره مهمی است. خاطره شیرینی است و جا دارد که این‌گونه خاطرات را انسان نگه دارد. لکن قضیه از این فراتر است. حادثه نوزدهم بهمن، یک مضمون پرمغز و ماندگار است؛ یعنی این حادثه‌ای که اتفاق افتاد و جوان‌های نیروی هوایی نظام پادشاهی پاشدند، آمدند با امام بیعت کردند، با آن وضوح، با آن شجاعت - که من حاضر بودم در آن مراسم؛ برخی از اینها، کارتهای شناسایی‌شان را بالای دست گرفته بودند و نشان می‌دادند - این یک معنایی دارد، یک مضمونی دارد، که آن مضمون را باید حفظ کرد؛ [این] یک وظیفه انقلابی است. آن مضمون چیست؟ آن این است که انقلاب، یک سخن حق و پرجاذبه‌ای بود که توانست دل‌ها را - دل‌های بی‌غرض و مرض را، دل‌های آگاه و روشن را - در هر نقطه‌ای از کشور که بودند به

سمت خود جذب کند؛ حتی در جایی مثل نیروی هوایی ارتش پادشاهی که نورچشمی و سوگلی دستگاه‌های حاکم آن روز، بلکه سوگلی آمریکا بود. با نیروی هوایی ارتش، آن روز مثل یک سوگلی رفتار می‌شد؛ هم آمریکایی‌ها، هم عوامل آنها در کشورمان - که متأسفانه در رأس امور قرار داشتند و حکومت دست آنها بود - این‌جوری با نیروی هوایی رفتار می‌کردند و برخورد می‌کردند. آن وقت همین نیروی هوایی، تحت تأثیر جاذبه حقیقت انقلاب، آن‌چنان به هیجان آمد که یک چنین کار بزرگی را انجام داد؛ یعنی در روز روشن، جلوی چشم این همه مأمور و در معرض تهدیدهای گوناگونی که آن روز وجود داشت، بلند شدند آمدند با امام در خیابان «ایران» بیعت کردند، سرود خواندند، ایستادند و کارت‌های شناسایی‌شان را سر دستشان گرفتند. آن مضمون مهم این حادثه این است؛ جاذبه عجیب انقلاب، و آن حقیقتی که در درون انقلاب نهفته بود که دل‌ها را به سمت خودش جذب می‌کرد؛ این را ما بایستی بشناسیم، بدانیم و حفظ کنیم.^{۱۲}

رمز ماندگاری بیست‌ونهم بهمن

حضور مردم در بیست‌ونهم بهمن سال ۵۶، شبیه کار امام سجاد علیه السلام و جناب زینب کبری بود که نگذاشتند حادثه عاشورا فراموش بشود. تبریزی‌ها در بیست‌ونهم بهمن نگذاشتند این بار زمین بماند و الا بنا بر این بود که کشتار قم و حضور مردم و همه چیز فراموش بشود اما تبریزی‌ها نگذاشتند. من فراموش نمی‌کنم آن روزها خبرهایی می‌آمد که دستگاه جبار و طاغوت شخصیت‌های برجسته نظامی خودش را فرستاد تبریز برای اینکه جلوی حضور مردم را بگیرند اما مردم بیست‌ونهم بهمن را به وجود آوردند؛ و تا امروز این روز زنده است. اینکه بنده هم اصرار دارم که در این روز با شما ملاقات بکنم به خاطر اهمیت این روز است.^{۱۳}

حضور در صحنه‌ها و عرصه‌های اجتماعی

معجزه حضور مردم

در صحنه‌های سرنوشت‌ساز

کار دست مردم، صحنه دست مردم، ابتکار عمل دست مردم؛ این هنر امام بود؛ این هنر امام بزرگوار بود؛ صحنه را داد دست صاحبان کار؛ چون کشور صاحب دارد. در دوران طاغوت می‌گفتند کشور صاحب دارد؛ صاحب کشور کیست؟ شاه؛ درحالی‌که او یک انگل و سربار و زیادی در کشور بود، نه صاحب کشور؛ صاحب کشور مردم‌اند؛ بله، کشور صاحب دارد؛ صاحب کشور کیست؟ مردم. کار وقتی دست خود مردم سپرده شد - که صاحبان کشورند، صاحبان آینده‌اند - آن‌وقت کارها به سامان خواهد رسید. تدبیر مسئولان در هر برهه‌ای از زمان در دوران جمهوری اسلامی، باید این باشد؛ کارها با تدبیر، با برنامه‌ریزی، با ملاحظه همه ظرایف و دقایق در اختیار مردم گذاشته بشود؛ آن‌وقت کارها پیش خواهد رفت. ما هم از اوّل انقلاب تا امروز هر وقتی هر کاری را محوّل به مردم کردیم، آن کار پیش رفته است؛ هر کاری را انحصاری در اختیار مسئولان و رؤسا و مانند اینها قرار

دادیم، کار متوقّف مانده است. نمی‌گوییم حالا همیشه هم متوقّف مانده اما غالباً یا متوقّف یا کُند شده؛ اگر متوقّف نمانده است، کُند پیش رفته است. اما کار دست مردم که افتاد، مردم کار را خوب پیش می‌برند. این مخصوص ما هم نیست؛ این را هم عرض بکنم که این مخصوص ما ایرانی‌ها نیست. در هر نقطه‌ای اگر کار دست مردم قرار گرفت و مردم دارای هدف بودند - [نه] آدم‌های بی‌هدف، آدم‌های سرگردان در امور زندگی، گرفتار امور روزمره شخصی، آنها نه - هر جور کاری، سخت‌ترین کارها، کارهای نظامی، کارهای امنیتی، دست مردم وقتی افتاد، صحنه وقتی در اختیار مردم قرار گرفت، پیش خواهد رفت. شما الآن نگاه کنید، در ظرف کمتر از ده سال مقاومت لبنان بر ارتش جرّار (بسیار کشنده) صهیونیستی چند بار فائق آمد؛ [اوّل] مقاومت لبنان، بعد مقاومت فلسطین. مقاومت لبنان، اوّل صهیونیست‌ها را از جنوب لبنان بیرون کرد؛ بعد در جنگ ۳۳ روزه، بینی صهیونیست‌ها را به خاک مالید. آمریکا صهیونیست‌ها را کمک کرد، خیانتکاران داخلی کمک کردند اما نیروی مقاومت - که نیروی مردمی بود، با ایمان بود، با هدف بود،

می‌فهمید دارد چه کار می‌کند - توانست همهٔ اینها را از عرصه خارج کند. اخیراً هم این ضرب‌شستی که نیروی مقاومت به ارتش صهیونیستی وارد کرد که هنوز داغ است، جزو حرف‌هایی است که هنوز فراموش نشده است. مقاومت فلسطین همین‌جور؛ در جنگ ۲۲ روزه، در جنگ ۸ روزه، در جنگ ۵۱ روزه ماه رمضان گذشته در تابستان - همین تابستانی که گذشت - یک عدهٔ مردم کم‌توان، کم‌سلاح، در یک منطقهٔ کوچک توانستند؛ چون مردم متعهد بودند، چون مردم پشتیبان بودند، مقاومت فلسطین توانست نیروی صهیونیستی جرّار را زبون کند، ذلیل کند و او متوسّل بشود که بیاید آتش‌بس را قبول کنیم. این قضایای اخیر در عراق را شما ملاحظه کردید؛ کسانی که تحریک‌شدهٔ آمریکا و صهیونیست و دیگران بودند، تا پشت دروازهٔ بغداد آمدند؛ نیروهای مجاهد مردمی عراق در پشتیبانی از ارتش آن کشور توانستند این ضربه را به این نیروهای موسوم به داعش وارد کنند. در سوریه همین‌جور؛ نیروهای مردمی به کمک ارتششان رفتند. مردم این‌جورند؛ هر جا صحنه به مردم سپرده شد، انگیزه‌های مردمی، نیروهای متنوع و متکثر مردمی، کارها را پیش خواهد برد. یکی از نشانه‌های آن همین بیست‌ودوّم بهمن است.^{۱۳}

ظرفیت‌های عظیم

در مسیر طولانی انقلاب اسلامی

بنده دربارهٔ مناقب آذربایجان و تبریز تا حالا مطالب زیادی عرض کرده‌ام که واقعاً به آنها از بن دندان معتقدم. این جمله را فقط عرض بکنم که مردم آذربایجان و مردم تبریز نشان دادند که هم پیشرو هستند، هم موقع‌شناسند و به‌هنگام عمل می‌کنند، هم دلیر و شجاع‌اند و از مشکلات هراسی به دل راه نمی‌دهند، هم به معنای واقعی کلمه با ایمان‌اند. اینها یک حقایقی است؛ اینها را هرکسی که با تاریخ آذربایجان آشنا باشد تصدیق می‌کند؛ چه در قضایای مشروطیت ایران، چه پیش از آن در قضیهٔ تحریم تنباکو و مبارزه با کمپانی انگلیسی، چه بعد از آن در ماجرای نهضت ملی و حوادث آخر و بعد از دههٔ ۲۰ - یعنی سال‌های ۳۰ و ۳۱ - و چه در حوادث نهضت اسلامی و چه در پیروزی انقلاب اسلامی، در همهٔ این حوادث که ما نگاه می‌کنیم، آذربایجان و تبریز، هم به‌هنگام عمل کردند، هم زودتر از دیگران وارد میدان شدند و

پیش‌گام بودند، هم شجاعت و دلیری نشان دادند، هم به معنای واقعی کلمه پیر و جوان، مرد و زن، ایمان اسلامی و ایمان مذهبی را معیار قرار دادند. بعد از پیروزی انقلاب تا امروز هم همین‌جور بوده است؛ آن دوران هشت‌سال دفاع مقدس، آن لشکر پرافتخار عاشورا، آن سرداران بزرگ و معنوی و الهی از قبیل شهید باکری و امثال اینها، و بعد هم قضایای دیگر تا امروز. روز نهم دی در سال ۸۸ همه جای کشور نهم دی بود، در تبریز هشتم دی بود؛ اینها معنا دارد، اینها نشان‌دهنده است، علامت است. اینها را عرض نمی‌کنیم برای اینکه شما خوشتان بیاید؛ عرض می‌کنیم برای اینکه معلوم بشود این قطعه از کشور ما، این ظرفیت‌های عظیم را دارد. و این نظام، این انقلاب راه طولانی‌ای هنوز درپیش دارد؛ همه این خصوصیات می‌تواند در گذر از این مسیر طولانی به کار بیاید.^{۱۳}

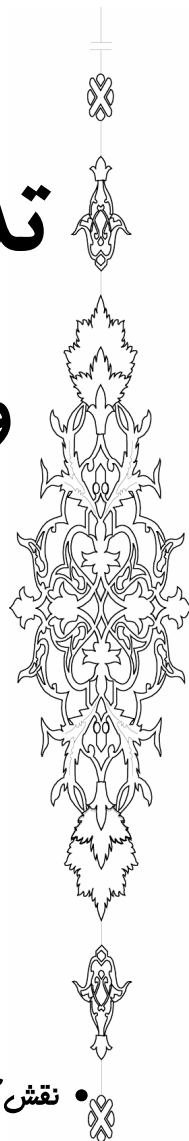
تشکر از حضور گسترده مردم

در بیست و دوم بهمن

من واقعاً زبانم قاصر است از اینکه از مردم عزیزمان، از ملت بزرگ ایران تشکر کنم و توصیف کنم این حضور امسال را در ماجرای بیست و دوم بهمن؛ در گزارش‌های دقیقی که به بنده داده‌اند که این گزارش‌ها دقیق است، در اغلب نزدیک به همه مراکز استان - حالا در هزار شهر راهپیمایی بود؛ آن‌طور که محاسبه کردند در اغلب نزدیک به همه مراکز استان - جمعیت امسال از سال گذشته بیشتر بود؛ در اغلب نزدیک به همه! در شهرهایی، مردم در سرما و برف و باران آمدند راهپیمایی کردند؛ در جاهایی مثل اهواز، مردم در طوفان خاک آمدند راهپیمایی کردند؛ اینها شوخی است؟ ۳۶ سال از انقلاب می‌گذرد، کجای دنیا سالگرد انقلاب به وسیله مردم آن هم با این عظمت و با این شکوه برگزار می‌شود؟ این به‌خاطر این است که کار، دست مردم است. نگاه انقلاب و نظام در مسئله بیست و دوم بهمن و بزرگداشت مراسم انقلاب به‌سوی مردم است؛ کار به مردم محول می‌شود، مردم این‌جوری حرکت می‌کنند. این یک قاعده کلی است. در هر مسئله‌ای از مسائل خرد و کلان کشور که ما حضور مردمی را داشتیم، این معجزه را مشاهده کردیم.^{۱۳}

تدابیر

ویژه بسیج



• نقش آفرینی و مسئولیت پذیری بسیجیان

نقش آفرینی و مسئولیت‌پذیری بسیجیان

ضرورت بکارگیری

ظرفیت دانشجویان بسیجی

بنده عقیده‌ام این است که اگر حتی در مسئله هسته‌ای هم همان‌جور که آنها دیکته می‌کنند ما پیش برویم و قبول کنیم دیکته آنها را، باز هم حرکت مخرب آنها و تحریم‌های آنها برداشته نخواهد شد؛ انواع و اقسام مشکلات را باز هم درست می‌کنند؛ چون با اصل انقلاب مخالف‌اند. البته بنده معتقدم ظرفیت جوانان ما، ظرفیت بسیار بالایی است. همین دو روز قبل از این، دانشجویان بسیجی به بنده پیغام دادند و گله کردند که چرا شما در پیشرفت هدف‌های انقلاب اسلامی از ما دانشجویها استفاده نمی‌کنید؛ حرف مهمی است. دانشجوی مشغول تحصیل توقع دارد و به بنده پیغام می‌دهد که چرا از وجود ما در مسائل مهم انقلاب در منطقه - چه مسائل نظامی و امنیتی، چه مسائل گوناگون دیگر - استفاده نمی‌کنید؛ روحیه جوان‌های ما این است. روحیه ملت ایران را شما در بیست و دوم بهمن دیدید. حالا از آن‌طرف دولت زورگوی قلدر آمریکا که با همه شکست‌هایی که در منطقه خورده‌اند از زورگویی دست برنمی‌دارند، از این طرف هم دنباله‌روهای اروپایی‌اش باز تحریم جدید [اعمال] می‌کنند.^{۱۳}

تدابیر اقتصادی و مالی

• جهت‌گیری سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی

• حمایت از حقوق مالکین و مبارزه با مفسدان اقتصادی

• سامانه مصرف و جلوگیری از اسراف

• چرخه تولید و کیفیت بخشی به محصولات

• جهاد اقتصادی

جهت‌گیری سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی

راه مقابله

با اخلاگری‌های اقتصادی استکبار جهانی

بنده چند سال است که در اوّل هر سال، راجع به مسائل اقتصادی تأکید می‌کنم، تکیه می‌کنم؛ این کشور کشور بزرگی است، پهناور است، پرجمعیت است؛ بازار داخلی این کشور یک بازار هفتاد و چند میلیونی است، اینها خیلی با اهمیت است، خیلی با عظمت است. شما نگاه کنید به امکانات و توانایی‌های ما، چه توانایی‌های انسانی‌مان - خیل عظیم جوان این کشور: کاربلد، تحصیل‌کرده، پُرانگیزه، پُرشور، آماده به کار - چه ثروت‌های طبیعی این کشور، اما در عین حال مشکل اقتصادی داریم؛ مشکل کجا است؟ راه حل چیست؟ چه کار باید کرد؟

این را من به شما عرض بکنم: از بعد از تمام شدن جنگ، یعنی از سال ۶۷ که هشت سال دفاع مقدس تمام شد، یک برنامه‌ریزی عمومی قدرت‌های استکباری وجود داشت برای اینکه نگذارند ایران اسلامی تبدیل بشود به یک قدرت اثرگذار اقتصادی در منطقه؛ سعی کردند، روی این کار کردند. خب! جنگ که تمام شد، ما شروع کردیم به برنامه‌ریزی برای مسائل اقتصادی و پیشرفت‌ها؛ مشغول برنامه‌ریزی شدیم؛ اینها فهمیدند که اگر جلوی ایران را بگیرند، اگر چنانچه اختلالگری نکنند، دخالت نکنند، مزاحمت نکنند، ایران اسلامی با توانایی‌های خود - که آن روز سایه وجود شریف امام بزرگوار هم بر سر ما بود و حیات مبارک ایشان ادامه داشت - با تکیه به اسلام، با تکیه به مردم، تبدیل خواهد شد به یک قطب اقتصادی منطقه‌ای و روی اقتصاد منطقه و اقتصاد بین‌الملل اثر خواهد گذاشت، [لذا] برنامه‌ریزی شد برای اینکه نگذارند. اینها مربوط به مسائل هسته‌ای نیست؛ پیش از قضایای هسته‌ای

- مسائل هسته‌ای مثلاً فرض کنید ده سال، دوازده سال است که پیش آمده؛ اینها مربوط به قبل از مسائل هسته‌ای است - مربوط به سال ۶۷ و ۶۸ و آن سال‌هاست؛ دشمنان ما از آن روز شروع کردند به تلاش. کسانی که اهل اطلاع‌اند، می‌دانند که برنامه‌های غربی‌ها و عمدتاً آمریکا شروع شد برای دُور زدن ایران: در خطوط انتقال نفت و گاز، ایران را دُور بزنند؛ در خطوط اصلی هوایی و زمینی و دریایی، ایران را دُور بزنند؛ در خطوط انتقال شبکه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، ایران را دُور بزنند؛ یک نوع تحریم بی‌سروصدا؛ هر فعالیت اقتصادی مهمی که ایران می‌خواهد انجام بدهد، طرف‌ها را بترسانند. اینها اتفاقاتی است که در این کشور افتاده است. افراد مدّعی و بی‌اطلاع نیابند حرف بزنند و خیال کنند که خب هیچ‌کاری کسی انجام نداده است؛ نه، خیلی تلاش شده است. دشمن برنامه داشت در این زمینه، و برنامه خودش را قدم‌به‌قدم تا امروز پیش برده است و عمل کرده است. آنچه شما مشاهده می‌کنید، برآیند تحرّک

داخلی کشور و دشمنی دشمنان است. دشمن نباید فراموش بشود. در زمینه اقتصاد، دشمن به معنای واقعی کلمه برنامه‌ریزی کرد؛ بعضی جاها صریح وارد میدان شدند، بعضی جاها بدون صراحت وارد میدان شدند لکن خب! اهل اطلاع، ملتفت بودند، می‌فهمیدند که دشمن چه کار دارد می‌کند. دشمن کیست؟ آمریکا و چند کشور اروپایی دنباله‌رو آمریکا. اینها مال امروز نیست.

خب! علاج چیست؟ معلوم است؛ دشمن دشمنی می‌کند؛ آیا ما توقّعی از دشمن داریم؟ نه. از دشمن که نمی‌شود توقّع داشت؛ از دشمن که نمی‌شود گلايه کرد. آیا ما از آمریکا گلايه داریم؟ ابداً؛ گلايه را انسان از دوست می‌کند؛ خب! طبیعت دشمن دشمنی کردن است؛ علاج چیست؟ علاج این است که یک ملّت در درون خود تلاشی بکند و کاری بکند که ضربه دشمن که حتمی است، اثر نگذارد یا کم اثر بگذارد؛ علاج این است. عزیزان من، جوانان! اینها را توجّه کنید.^{۱۳}

اشکالات اقتصاد کشور

و ضرورت اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

دو اشکال بزرگ در اقتصاد ما وجود داشته است: یکی اینکه اقتصاد ما نفتی بود؛ یکی اینکه اقتصاد ما دولتی بود؛ این دو اشکال بزرگ. اقتصاد ما نفتی است؛ یعنی چه؟ یعنی ما نفت را که سرمایه‌ماندگار ماست و امکان ارزش افزوده چندین برابری در آن وجود دارد، از زیر زمین بکشیم بیرون، خام خام بفروشیم به دنیا، پولش را بگیریم و صرف امور جاری کشور بکنیم؛ خسارت از این بالاتر نمی‌شود. اقتصاد نفتی این‌جوری است. خب! نفت را می‌شود تبدیل کرد به فرآورده. بنده احتمال می‌دهم - بعضی از دقت‌های علمی هم همین را تأیید می‌کند - شاید؛ این نفتی که ما آن را تبدیل می‌کنیم به بنزین و گازوئیل و نفت سفید و مثلاً مصرف این‌جوری می‌کنیم، با تولید فراورده‌هایی که تا امروز، بشر آن فراورده‌ها را تولید نکرده است، تا صدبرابر این بشود ارزش افزوده برای نفت به وجود آورد؛ ما از اینها غافلیم؛ نفت خام را از درون چاه‌ها بکشیم بیرون و این ذخیره را - این ذخیره که دوباره در زیر زمین

تولید نمی‌شود؛ جزو چیزهای پایان‌پذیر است؛ اینها تبدیل‌پذیر نیست که بگوییم تمام آن را می‌کشیم، جای آن می‌آید؛ نه، وقتی کشیدیم، تمام می‌شود؛ نفت این‌جور است، گاز این‌جور است - بفروشیم، پول آن را صرف کنیم در مصارف جاری کشور؛ از این بدتر واقعاً چیزی نمی‌شود؛ این جزو میراث‌های شوم رژیم طاغوت و رژیم گذشته است. یک راه پول درآوردن آسانی هم هست و بعضی از مسئولین در طول زمان‌های مختلف هم ترجیح دادند که از این پول آسان استفاده کنند. این یک اشکال.

اشکال دوم؛ گفتیم اقتصاد دولتی است. این جزو مسائلی است که اول انقلاب - که این‌هم کار خود ما بود، دیگران به ما تحمیل نکردند - خود ما بر اثر نگاه‌هایی که آن روز وجود داشت، اقتصاد را سپردیم دست دولت؛ حالا هرچه تلاش می‌شود که اقتصاد منتقل بشود به مردم و داده بشود دست مردم، با برنامه‌ریزی درست که خلاف عدالت هم کاری انجام نگیرد، کار درست پیش نمی‌رود؛ سخت است. ما سیاست‌های اصل ۴۴ را ابلاغ کردیم که معنای آن همین بود که ما اقتصاد را از حالت دولتی بودن

خارج کنیم. من در همین حسینه که مسئولین جمع شدند در آن طبقه بالا، برایشان شرح دادم (فغان و برگزیدگان بخش‌های اقتصادی (۱۳۹۰/۵/۲۶) که ما به چقدر ارز نیاز داریم و این امکان ندارد، به دست نمی‌آید مگر اینکه ما این کار را بکنیم: اصل ۴۴ به این شکلی که سیاست‌های آن را ابلاغ کردیم عمل بشود. اینها باید بشود. ... آنچه ما می‌خواهیم بگوییم، این است که باید یک نفس جدیدی به این کار داده بشود.

امروز بیست‌ونهم بهمن است. سال گذشته بیست‌ونهم بهمن، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را به دستگاه‌های مختلف ابلاغ کردیم؛ امروز یک‌سال گذشته. اقتصاد مقاومتی برای کشور ضروری است؛ تحریم باشد هم لازم است، تحریم نباشد هم لازم است. آن‌روزی که تحریمی هم در این کشور وجود نداشته باشد، اقتصاد مقاومتی برای این کشور ضروری است، لازم است. اقتصاد مقاومتی یعنی ما بنای اقتصادی کشور را جوری تنظیم کنیم و ترتیب بدهیم که تکانه‌های جهانی در آن اثر نگذارد. یک‌روز عزا نگیریم که نفت از ۱۰۰

دلار رسید به ۴۵ دلار؛ یکروز عزا نگیریم که آمریکایی‌ها ما را تهدید می‌کنند که فلان چیز و فلان چیز و فلان چیز را تحریم می‌کنیم یا عملاً تحریم بکنند؛ عزا نگیریم که اروپایی‌ها کشتی‌رانی ما را تحریم کردند. اگر در کشور اقتصاد مقاومتی باشد، هیچ‌کدام از این تکانه‌های بین‌المللی نمی‌تواند به زندگی مردم آسیب وارد کند. اقتصاد مقاومتی یعنی این؛ یعنی در داخل کشور، ساخت اقتصادی و بنای اقتصادی جوری باشد که از نیروهای مردم استفاده بشود، کمک واقعی گرفته بشود، برنامه‌ریزی بشود، بنای اقتصادی استحکام پیدا کند ... تکیه مسئولان کشور بر این باشد که حرکت اقتصادی کشور را این‌جوری قرار بدهند. اگر این شد، شکوفایی خواهد شد؛ اگر این شد، از تهدید دشمن دیگر نمی‌ترسیم، از تحریم دیگر نمان نمی‌لرزد، از پایین افتادن قیمت نفت عزا نمی‌گیریم؛ این اقتصاد مقاومتی است. تکیه عمده اقتصاد مقاومتی هم باز روی مردم است؛ روی تولید داخلی است.^{۱۳}

ضرورت قطع بودجه کشور از نفت

یک مسئله اساسی در مورد اقتصاد کشور این است که باید اتکاء بودجه کشور به نفت قطع بشود؛ باید به اینجا برسیم. البته این حرف‌هایی که من امروز به شما عرض می‌کنم و مکرر گفته‌ایم، در مقام حرف آسان است، در مقام عمل کارهای مشکلی است. خود من دستم سال‌ها در اجراء بوده است؛ بنده می‌دانم اجراء کار سختی است اما معتقدم این کار سخت را می‌توان انجام داد. اجراء کردن سخت‌تر از حرف زدن است؛ اما همین کار سخت را با همت، با اعتماد به این مردم، با اعتماد به این جوان‌ها، با اعتماد به سرمایه‌های داخلی کشور، با اعتماد به خدای متعال که وعده نصرت داده است، می‌شود انجام داد. یکی از کارها - که مهم‌ترین کار همین است - [این است که] باید تکیه بودجه به تولید داخلی باشد، یعنی به درآمدی که مردم تولید می‌کنند و مالیات می‌دهند.^{۱۳}

استفاده حداکثری از ظرفیت‌های داخلی

یک مسئله مهم دیگر، [در اقتصاد کشور] استفاده حداکثری از ظرفیت‌های داخلی است. کشور ما در منطقه حساسی قرار دارد؛ همسایه‌های زیادی داریم، بالا دریا داریم، پایین دریا داریم، به همه دنیا دسترسی داریم. کشور ما روی نقشه که نگاه کنید، یک چهارراه بسیار حساس و مهم زمینی و هوایی است؛ دسترسی به آب‌های آزاد هم دارد؛ اینها فرصت‌های بسیار مهمی است؛ علاوه بر منابع، علاوه بر امکانات، برنامه‌ریزی بشود، فکر کنند، از این فرصت‌ها به نحو احسن استفاده کنند.^{۱۳}

ضرورت حضور شرکت‌های دانش‌بنیان

در عرصه‌های اقتصادی

شرکت‌های دانش‌بنیان؛ که بنده روی این شرکت‌های دانش‌بنیان تکیه می‌کنم. امروز ما جوان تحصیل‌کرده خیلی داریم. بچه‌های دبیرستانی یکی دو هفته پیش در این حسینیه، یک نمایشگاهی تشکیل دادند، (نمایشگاه دستاوردهای فناوری نانو در حسینیه امام خمینی ۱۳۹۳/۱۱/۱۱) آمدند چیزهای پیشرفته واقعاً عجیب و غریب و حیرت‌آوری را اینجا به ما نشان دادند؛ غالباً جوان، تعدادی جوان دبیرستانی! خب! سرمایه ما این است، ثروت ما این است. شرکت‌های دانش‌بنیان به وجود بیاید. شرکت‌های دانش‌بنیان هم فقط مخصوص صنعت نیست؛ در صنعت، در کشاورزی، در خدمات، در نیازسنجی؛ جمع بشوند، نگاه کنند ببینند بنگاه‌های گوناگون اقتصادی به چه چیزهایی نیاز دارند، کمبودهایشان کجاست، این را به آنها ارائه بدهند؛ شرکت دانش‌بنیان حتی در این زمینه هم می‌تواند فعال باشد.^{۱۳}

حمایت از حقوق مالکین و مبارزه با مفسدان اقتصادی

ضرورت مبارزه جدی

با قاچاق و بدحساب‌های بانکی

مبارزه جدی با قاچاق از جمله کارهای لازم در اقتصاد کشور است. مبارزه جدی با بدحساب‌های بانکی؛ یک عده‌ای هستند از تسهیلات بانکی، بناحق و نادرست استفاده می‌کنند؛ برای یک کار تسهیلات می‌گیرند، در کار دیگری آن را مصرف می‌کنند که مصلحت کشور نیست؛ بعد هم بدهی خودشان را با بانک‌ها تسویه نمی‌کنند؛ اینها واقعاً مجرم‌اند. بنده نمی‌گویم هرکسی بدهکار بانکی است مجرم است؛ نه، یکی هست ممکن است بدهکار بانکی باشد، [ولی] کمک هم باید به او کرد؛ هستند مواردی که حتی بدهکارند ولیکن بایستی کمک هم به او بکنند اما بعضی هم هستند که باید مورد مؤاخذه قرار بگیرند، مورد سؤال قرار بگیرند. این کارها باید در کشور انجام بگیرد.^{۱۳}

تأمین بودجه کشور از درآمدهای مردم

عزیزان من! مالیات یک فریضه است. ما امروز از ضعف مالیات می‌گیریم - از کارمند مالیات می‌گیریم، از کارگر مالیات می‌گیریم، از کاسب جزء مالیات می‌گیریم - اما از فلان کلان‌سرمایه‌دار، فلان درآمد‌دار بی حساب و کتاب مالیات نمی‌گیریم؛ فرار مالیاتی دارند؛ اینها جرم است؛ فرار مالیاتی جرم است. آن که از دادن مالیات به دولت خودداری می‌کند و مالیاتی که باید به دولت بدهد - که آن درآمدی که حاصل شده و در اختیار او است، به برکت فضایی است که دولت به وجود آورده است و کاری است که دولت دارد می‌کند، پس باید مالیات را بدهد - نمی‌دهد، در حقیقت کشور را وابسته می‌کند به پول مفت نفت، و وقتی کشور به پول نفت وابسته شد، همین مشکلات پیش می‌آید: یک روز تحریم می‌شود؛ یک روز نفت ارزان می‌شود؛ یک روز شاخ و شانه می‌کشند؛ کشور به این وضع دچار می‌شود. مسئله مالیات خیلی مهم است. البته من شنیدم که مسئولین

مالیاتی کشور دارند طراحی می‌کنند، کارهای خوبی دارند انجام می‌دهند؛ این کارها باید سریع انجام بگیرد؛ باید تحقق پیدا کند؛ از مردم باید کمک خواسته بشود و مردم باید کمک کنند؛ این قلم اوّل. قلم اوّل از کارهای مهمّی که باید انجام بگیرد، این است که بودجه کشور، اداره دولت، به‌وسیله درآمدهای از درون مردم باشد، یعنی از همین مالیات، که مالیات هم مربوط می‌شود به تولید و کسب و کار.^{۱۳}

سامانه مصرف و جلوگیری از اسراف

ضرورت مراقبت همگانی

اجتناب از اسراف هم یک سرفصل دیگر است؛
اجتناب از اسراف، تضييع مال، هدر دادن منابع
عمومی، هدر دادن آب، هدر دادن نان، از بین بردن
خاک. خاک یک ثروت است، آب یک ثروت
است، نان یک محصول ذی‌قیمت است؛ مراقب
باشند، همه مراقب باشند، احساس مسئولیت کنند،
اینها را از بین نبرند.^{۱۳}

چرخه تولید و کیفیت بخشی به محصولات

ارتقاء بهره‌وری

یک نکته دیگر، [در اقتصاد کشور] ارتقاء بهره‌وری است که از تعبیرات رایجی است که می‌کنند؛ بنده این را خلاصه می‌کنم به دو کلمه در زبان فارسی. تولیدکننده ما، بنگاه‌دار ما سعی کند با کم کردن ریخت و پاش، هزینه تولید را کم کند، کیفیت را بالا ببرد؛ این می‌شود بهبود بهره‌وری. [البته] بخشی از هزینه تولید مربوط به چیزهایی است که در اختیار بنگاه‌دار نیست؛ فرض کنید تورم بالا است، مزد کارگر یا قیمت مواد اولیه بالا می‌رود؛ یک مقدار اینهاست لکن یک مقدار هم ریخت و پاش است؛ اسراف است؛ خرج کردن‌های بیجا است؛ باید جلوی اینها را بگیرند.^{۱۳}

ضرورت مصرف تولیدات داخلی

[در اقتصاد کشور] یک نکته دیگری که این بیشتر به مردم مربوط می‌شود، مصرف محصولات داخلی است که من بارها در سخنرانی‌های اوّل سال و غیر آن تکرار کردم، الآن هم به شما عرض می‌کنم: محصولات داخلی را مردم مصرف کنند؛ نروند دنبال این نشانه‌ها. حالا مُد شده است بگویند «برند» است، برند فلان؛ برند چیست! بروید سراغ مصرف تولیدات داخلی. آن چیزهایی که مشابه داخلی دارد، متعصّبانه و با تعصّب تمام، ملت ایران، خارجی آن را مصرف نکنند. این را من فقط برای یک عده خاص نمی‌گویم؛ خب! بله، وقتی ما می‌گوییم، یک عده متدینین فوراً گوش می‌کنند حرف را، پیغام هم می‌دهند فلان چیز را که خارجی است بخیریم؟ فلان چیز را نخیریم؟ من فقط برای متدینین و افرادی که برای حرف ما حجّیت شرعی قائل‌اند، این را نمی‌گویم؛ من این حرف را برای هرکسی می‌گویم که به ایران علاقه‌مند است، به آینده کشور علاقه‌مند است، به

فکر بچه‌های خودش است که بناست فردا در این کشور زندگی کنند. شما مصنوعات خارجی را که مصرف می‌کنید، در واقع کمک می‌کنید به اینکه حجم آن بنگاه خارجی، آن کارگر خارجی، آن سرمایه‌دار خارجی، مدام بیشتر بشود و تولید داخلی ضربه بخورد، شکست بخورد. این را به همه مردم، به خصوص آن کسانی که مصارف زیادی دارند [می‌گویم]؛ دولتی‌ها هم همین‌جور؛ دولتی‌ها هم در مصارف دولتی، در اشیاء مصرفی‌ای که در ساختمان‌ها، در چیزهای گوناگون مصرف می‌کنند، حتماً ملاحظه کنند تولید داخلی را.^{۱۳}

جهاد اقتصادی

فکر اساسی

ضربه‌ناپذیری کشور در برابر تحریم‌ها

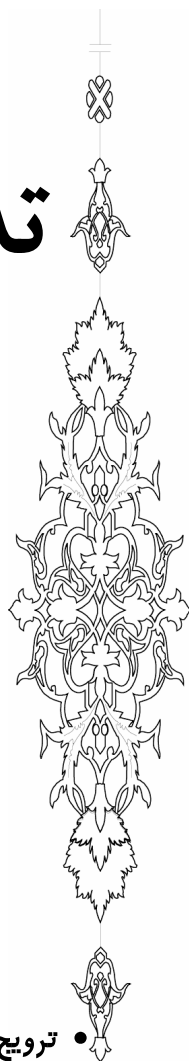
فکر اساسی این است که: کاری کنید که کشور از آخم دشمن ضربه نبیند، از تحریم دشمن لطمه نخورد؛ و راه‌هایی هست، کارهایی هست که می‌شود کرد؛ بعضی را هم کرده‌اند و موفق بوده است و جواب داده است؛ می‌شود کارهایی کرد؛ می‌شود این حربه را از دست دشمن گرفت، و الاً اگر چنانچه چشم ما به دست دشمن باشد که: «آقا! اگر این کار را نکردی، تحریم باقی می‌ماند» [فایده‌ای ندارد]؛ کماینکه آمریکایی‌ها با کمال وقاحت دارند می‌گویند: «اگر در قضیه هسته‌ای ایران کوتاه هم بیاید، تحریم‌ها یکجا و همه برداشته نخواهد شد»، این را صریح دارند می‌گویند. این نشان‌دهنده این است که به این دشمن نمی‌شود اطمینان کرد؛ نمی‌شود اعتماد کرد. من با مذاکره کردن مخالف نیستم؛ مذاکره کنند؛ تا هروقت می‌خواهند مذاکره کنند. من معتقدم باید دل را به نقطه‌های امیدبخش حقیقی سپرد، نه به نقطه‌های خیالی! نه به نقطه‌های خیالی، آنچه لازم است، این است.^۳

لزوم جدیت و ایستادگی

با هدف ناکامی دشمن

[در مورد اقتصاد مقاومتی] ما در این سال‌ها خیلی هشدار دادیم؛ مسئولین هم خیلی تلاش کردند اما نه آن هشدارهایی که بنده دادم کافی است، نه آن تلاشی که مسئولین کردند کافی است؛ اینها کافی نیست. باید کار جدی انجام بگیرد؛ مردم هم بایستی کمک کنند به دولت، به مسئولین، به قوه قضائیه تا بتوانند این کارها را انجام بدهند. ما می‌توانیم؛ ما در مقابل الم‌شنگه‌ای (سروصدا و دادو فریاد) که دشمنان ما سر تحریم و این حرف‌ها درمی‌آورند، می‌توانیم ایستادگی کنیم؛ می‌توانیم هدف‌های آنها را ناکام بگذاریم. وقتی این کارها را نکنیم، این فعالیت‌ها را نکنیم، آن‌وقت نتیجه همین می‌شود که حالا ملاحظه می‌کنید؛ دشمن می‌نشیند آنجا، برای برنامه هسته‌ای ما شرط و شروط معین می‌کند؛ بعد هم می‌گوید اگر این شرط و شروط را قبول نکردید، این جور و آن جور تحریم می‌کنم؛ خب! همین می‌شود دیگر.^{۱۳}

تدابیر بهداشت و سلامت



- ترویج ورزش همگانی
- ورزش و ارزش‌های معنوی
- افزایش ضریب سلامت
- ورزش و اولویته‌ها

ترویج ورزش همگانی

ضرورت توجه به جسم قوی و سالم

نکاتی هم که وزیر محترم ورزش (آقای گودرزی) گفتند، نکات خوبی بود؛ این سرفصل‌ها، سرفصل‌های خوبی است؛ آنچه ایشان ذکر کردند، من هم در ذهنم بود که بگویم اولویت‌بندی کنید،

و بگویم که ورزش همگانی را ترویج کنید؛ ورزش همگانی، سلامت همگانی است. من البته از سابق که بعضی‌ها نسبت به ورزش قهرمانی انْ قُلْتُ وَقُلْتُ (اما و اگر) داشتند، همیشه دفاع کردم از ورزش قهرمانی - به دلایل متعددی که حالا بعضی از آنها را عرض کرده‌ایم و روشن است - لکن ورزش همگانی، یعنی سلامت جسمانی عمومی ملّت که این متأسفانه امروز آن‌چنان که باید، نیست. خب! زندگی شهری را ملاحظه می‌کنید؛ عدم تحرّک، غذاهای نامناسب، غذاهای تقلیدی که در بعضی از این فروشگاه‌ها در اختیار می‌گذارند و مردم هم به اینها اقبال می‌کنند و عمدتاً عدم تحرّک، اینها جسم ملّت را ضعیف می‌کند؛ جسم‌ها باید قوی باشد؛ باید سالم باشد؛ این با ورزش همگانی به دست می‌آید؛ به آن حتماً توجه کنید.^۷

ورزش و ارزش‌های معنوی

سکوی قهرمانی

معرف معنویت و استقامت ملت

یک نکته مهمی وجود دارد و آن اینکه شما وقتی بر سکوی قهرمانی قرار می‌گیرید به هر صورتی، به هر شکلی، در معرض دید صدها میلیون انسان در دنیا قرار می‌گیرید؛ منش شما و روش شما معرف ملتتان هم هست، معرف فرهنگتان است، معرف شخصیت ملی شما هم هست. این خیلی مهم است که شما چه‌جوری عمل می‌کنید. آن خانم جوانی که با چادر می‌رود روی سکوی قهرمانی، نشان می‌دهد که در مقابل همه‌های قابل رؤیت و غیر قابل رؤیت که به این چنین کاری در دنیا از سوی مراکز ضد فرهنگ و ضد دین و ضد عصمت و پاکیزگی صورت می‌گیرد، مقاوم است. این خانم یک شخصیتی از خود نشان می‌دهد؛ یعنی در واقع ملت خود را معرفی می‌کند. آن جوانی که بعد از پیروزی، سجده شکر به جا می‌آورد، یا فریاد بلندی با نام

بزرگان دین از حنجره خارج می‌کند، یا لباسی که می‌پوشد، بلوزی که می‌پوشد، نام فاطمه زهرا علیها السلام یا نام ابوالفضل علیه السلام را روی آن نقش می‌کند، این دارد ملّت خودش را معرفّی می‌کند؛ معنویت ملّت را معرفّی می‌کند و در کنار معرفّی معنویت، استقامت ملّت را معرفّی می‌کند.^۷

تلاش دستگاه‌های تبلیغاتی جهانی

در معنویت و عفت‌زدایی

امروز همه سعی دستگاه‌های تبلیغاتی بین‌المللی و جهانی معنویت‌زدایی است، دین‌زدایی است، عفت و عصمت‌زدایی است؛ این جزو برنامه‌های حتمی صهیونیستی است در سرتاسر دنیا و دارند پیش می‌روند و روزبه‌روز بدتر [عمل] می‌کنند. شما نگاه کنید به فیلم‌ها و داستان‌ها و امثال اینها به پوشش زن‌های اروپایی در پنجاه سال پیش یا صد سال پیش و با امروز مقایسه کنید. اخلاق جنسی غربی اروپایی را در پنجاه سال پیش، صد سال پیش با امروز مقایسه کنید، ببینید چقدر فرق کرده؟ کار انحطاط اخلاقی به جایی می‌رسد که اگر شما اعلام بکنید که همجنس‌گرایی را قبول ندارید، شما را مورد تهاجم قرار می‌دهند. خیلی چیز عجیبی است! افتخار می‌کنند به بی‌عفتی و برهنگی، افتخار می‌کنند به عدم رعایت اخلاق جنسی؛ یعنی همانی که در روایات ما هست که معروف می‌شود منکر، منکر می‌شود معروف؛ این الآن در دنیای غرب تحقق پیدا کرده. و امپراتوری خبری و رسانه‌ای با همه توان - که امروز

حجم آن هزاران برابر پانزده سال، بیست سال پیش شده، با این شبکه‌های اجتماعی و با این شیوه‌های اینترنتی و مانند اینها - و با این حجم عظیم امکانات خود در جهت تبلیغ ضدّ معنویت و ضدّ اخلاق است. آنوقت در این فضا جوان ایرانی می‌آید و مظهر معنویت را نشان می‌دهد؛ این یعنی چه؟ معنای این آن است که این دل، این روح، این روحیه، در مقابل این موج عظیم انحرافی قادر بر ایستادگی است. این است که شما را معرفی می‌کند. شما درست است که در میدان ورزش سختی می‌کشید تا قهرمانی را به دست می‌آورید - چه روی تشک کشتی، چه در وزنه‌برداری، چه در بازی‌های دسته‌جمعی و امثال اینها - خب! زحمت می‌کشید، فشار می‌آورید روی خودتان، استقامت می‌کنید اما این استقامت معنوی در چشم مردمان بصیر دنیا کمتر از آن استقامت جسمانی نیست؛ گاهی بیشتر است؛ و نشان می‌دهد که این ملت یک ملّتی است که در مقابل فشارهای تبلیغاتی دستگاه‌های مضر و مخرب قادر است بایستد.

در دنیایی که زن را به آن شکل می‌پسندند و افتخار می‌کنند - در چهار، پنج، شش سال پیش یک

مجله آمریکایی من دیدم که در یک رستوران کسانی که مشغول خدمت هستند، زنان جوانی هستند با این خصوصیات که عریانی یا در واقع نیمه‌عریانی یکی از این خصوصیات است؛ صاحب رستوران به این افتخار می‌کند و در مجله عکس خود و عکس رستورانش و عکس آن دخترها را منتشر می‌کند - در یک چنین دنیایی که برهنگی انحرافی و غلط و مضر و کشنده را ترویج می‌کند، زن جوان ما می‌آید آنجا می‌ایستد یا پسر جوان ما می‌آید با آن خانمی که می‌خواهد مدال را به گردنش بیندازد دست نمی‌دهد؛ اینها خیلی ارزش دارد. این جوری نیست که ما از روی تعصب مذهبی، از کسی که یک کار خوبی می‌کند بخواهیم ترویج کنیم؛ اینها نشانه استقامت و ایستادگی و آن فلز محکم عنصر ملت ایران است؛ اینهاست که ارزش می‌دهد به یک ملت. اینها را قدر بدانید؛ هرچه می‌توانید اینها را ترویج کنید. معنویات در ورزش، به ورزش هم کمک می‌کند، به آبروی ملی هم کمک می‌کند. و بحمدالله جوان‌های ما جوان‌های متدینی هستند.^۷

تشکر و سپاس از خداوند

خب! ما تشکر می‌کنیم؛ به‌خصوص از این مسابقات آسیایی - چه مسابقات جانبازان و معلولان عزیز، چه مسابقات دیگر - که انجام گرفت و بحمدالله با دست پُر برگشتید. من تعقیب می‌کردم، نگاه می‌کردم. بنده خیلی اهل نشستن پای گزارش‌های تلویزیونی و مانند اینها نیستم، یعنی وقتش را ندارم. اما وقتی خبرها مطرح می‌شود، با شوق و علاقه نگاه می‌کنم و از اینکه بحمدالله با افتخارات برگشتید، خدا را شکر می‌کنم؛ شما هم خدا را شکر کنید؛ خدا را شکر کنید. وقتی شما افتخاری به دست می‌آورید، این افتخار از سوی خداست: «وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ»؛ (نحل ۵۳) هر نعمتی دارید، خدا به شما داده؛ توانایی جسمی هم که شما دارید، خدا بهتان داده؛ قدرت اراده و تصمیمی که حرف اوّل را می‌زند در باب ورزش و قهرمانی، آن را خدا به شما داده؛ این نیروی تصمیم‌گیر را خدا به شما داده؛ این پیروزی را هم خدا به شما داده. از خدای متعال شاکر باشید. شکر الهی هم لوازمی دارد.^۷

الزامات محبوبیت و الگو شدن

خب! شما جوان‌هایی که در میدان‌های ورزشی به هر شکلی پیروزی به دست می‌آورید، در بین مردم محبوبیت پیدا می‌کنید. محبوبیت هم لوازمی دارد، دردسرهایی دارد بالاخره؛ باید آنها را تحمل کرد.

اولاً محبوبیت که پیدا می‌کنید، سعی کنید این محبوبیت فقط در زمین نباشد. در زیارت امین‌الله می‌خوانید: «مَحْبُوبَةٌ فِي أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ» (اقبال‌الاعمال، ص ۴۷۰) این محبوبیت خوب است؛ هم در زمین محبوب بشوید، هم در آسمان محبوب بشوید؛ در ملاً اعلی، فرشتگان الهی شما را دوست بدارند؛ ارواح طیبۀ اولیا شما را دوست بدارند.

دوم اینکه وقتی که بین جوان‌های کشور محبوب شدید، به شما نگاه می‌کنند، از شما یاد می‌گیرند؛ شما الگو می‌شوید. هر حرکت خوب شما، گاهی میلیون‌ها حرکت خوب در بین جوان‌ها به وجود می‌آورد؛ ببینید چقدر ارزش دارد! یک کار خوب که شما می‌کنید، یک اخلاق خوب، یک

رفتار خوب، یک سخن خوب، یک نیت خوب که از شما ظاهر می‌شود - چون الگو می‌شوید - به عدد میلیون‌ها تکثیر می‌شود؛ این خیلی باارزش است؛ موجب رواج خیر در جامعه می‌شوید. امر به معروف، یعنی کاری کنیم که چیز خوب رایج بشود دیگر؛ شما با این کارتان، یک امر به معروف عملی انجام می‌دهید. اگر خدای ناکرده عکس آن هم بشود، همین جور است؛ اگر چنانچه این الگو در یک جایی، در یک بخشی، در یک حرکتی، یک کاری بکند که موافق اخلاق و موافق پرهیزکاری و پاک‌دامنی نیست، این هم می‌شود الگو - اگر مردم بفهمند - این را هم مراقب باشید؛ این هم تکثیر می‌شود. بنابراین، قهرمان شدن، محبوب شدن، در دل مردم جاگرفتن، یک شمشیر دو دم است؛ خیلی خوب است، اگر به لوازم آن بتوانیم پایبند باشیم؛ خطرناک است، اگر خدای ناکرده نتوانیم به لوازم آن پایبند باشیم.^۷

پرهیز از حاشیه‌سازی

ضمناً بچّه‌های خوب ورزش، بچّه‌های متدین ورزش که کارهای خوب را در واقع روان می‌کنند در جامعه، از حاشیه‌سازی‌هایی هم که گاهی می‌کنند، هیچ هراسی نداشته باشید، هیچ اهمیتی ندهید. تا یک کار خوبی شما می‌کنید، آن کسانی که گوش‌به‌زنگ هستند که هر کار خوبی را بکوبند، در این مطبوعات زرد و امثال اینها و در شبکه‌های اجتماعی، شروع می‌کنند به حمله کردن؛ به اینها اصلاً اعتنا نکنید؛ نگاه کنید ببینید که واقعیت چیست؟ ارزش چیست؟ دل‌های آگاه چه می‌فهمند و چه می‌خواهند؟ به آن توجّه کنید.^۷

افزایش ضریب سلامت

همیاری و خدمت‌رسانی

جمعیت هلال احمر با اهداف والای بازآفرینی روحیه اعتماد به نفس و امید و آرامش بخشیدن به جان‌های خسته از حوادث طبیعی، و فراهم کردن وسایل آسایش برای تن‌های رنجور، فارغ از مرزبندی‌های جغرافیایی، دینی، قومی و نژادی تأسیس شده است و منطبق بر تعالیم و دستورهای دین مبین اسلام است.

با توجه به اهمیت و ظرفیت‌های فراوان مادی و معنوی این جمعیت و با آگاهی از توانمندی‌ها و تعهد جناب‌عالی، [حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ عبدالحسین معزی ^{توفیق‌الله} ^{کامنت}] انتظار می‌رود که با هدایت و نظارت بر امور، به تقویت و گسترش این تعالیم گرانها و زندگی‌بخش در مجموعه اعضای وابسته به این جمعیت، به‌ویژه جوانان، و پیشی جُستن و همیاری کردن در کار نیک خدمت‌رسانی به آسیب‌دیدگان از حوادث طبیعی و سایر وظایف جمعیت همّت گمارید.^۲

ورزش و اولویت‌ها

ضرورت تلاش برای افزایش قهرمان‌پروری

به هر حال، خدای متعال را شاکریم به خاطر وجود شما و خوشحالیم که کشورمان بحمدالله قهرمان‌پرور است؛ نه فقط در میدان‌های ورزشی - که شما باشید - در همه میدان‌ها کشور ما قهرمان‌پرور است؛ در میدان علم هم کشور ما قهرمان‌پرور است؛ ما قهرمان درست می‌کنیم. جامعه ایرانی و انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی قهرمان‌پرور در میدان علم هم دارد، در میدان اخلاق هم دارد، در میدان‌های گوناگون هم دارد. البته مدام سعی می‌کنند این را تخریب کنند، کوچک کنند، تحقیر کنند اما واقعیت همان است که عرض کردم؛ قهرمان‌پروری در این کشور بحمدالله یک رویه است و این را باید روزبه‌روز افزایش بدهیم؛ و این دست شماسست، دست مسئولین است، دست همه کسانی است که بر روی ذهنیت‌های جامعه اثر می‌گذارند.^۷

تدابیر نظارت و بازرسی

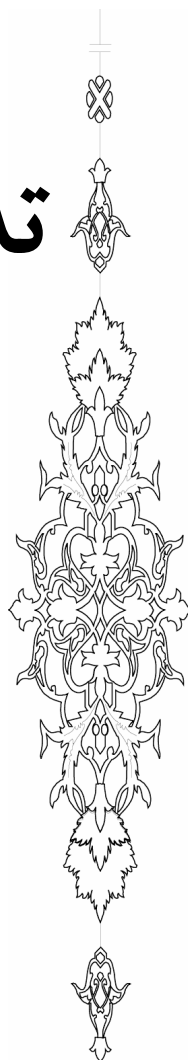
• برخورد با تخلفات و مبارزه با فساد

برخورد با تخلفات و مبارزه با فساد

پرهیز از تخلفات و سهل‌انگاری در مسائل

از تخلفات قانونی هم به شدت پرهیز بشود؛ چه تخلفات بین‌المللی، چه تخلفات قانونی مربوط به داخل کشور. این جور نباشد که معنای قهرمان‌محوری در ورزش این باشد که هر تخلفی شد، نادیده گرفته بشود؛ نه! تخلف، تخلف است؛ از بالا تا پایین؛ مسئولین و غیر مسئولین، زبندگان و غیر زبندگان، قهرمانان علمی و قهرمانان ورزشی و قهرمانان صنعتی و قهرمانان سیاسی و هرکدامشان وقتی تخلف کردند، باید مثل تخلف با آن برخورد بشود. سهل‌انگاری و سست‌انگاری در مسائل ورزش هیچ صلاح نیست.^۷

تدابیر پژوهشی، تحقیقاتی



- جهت‌گیری تحقیقاتی و پژوهشی
- بررسی و تحلیل مشکلات و آسیب‌ها
- تولید علم و افزایش قدرت علمی

جهت‌گیری تحقیقاتی و پژوهشی

تضمین پیشرفت کار

مسئله هدایت کار به سمت بازار و ثروت که در این گزارش‌ها من یک جا ملاحظه کردم، خیلی مهم است؛ یعنی کاری بشود که این شرکت‌های دانش‌بنیان به معنای واقعی کلمه بتوانند از این محصول استفاده کنند، از این فکر استفاده کنند؛ این موجب می‌شود که کار علمی شما و تحقیقاتی شما در محیط زندگی مردم تأثیر خود را نشان بدهد؛ این تضمین پیشرفت کار شماست.^{۱۱}

بررسی و تحلیل مشکلات و آسیب‌ها

استمرار پیشرفت فناوری نانو

با ثبات مدیریت و دوری از فضا‌های سیاسی

خوشبختانه کارها تا حالا در همه زمینه‌ها خوب پیش رفته و من خواش می‌کنم نگذارید که این چیزهایی که عوامل پیشرفت در اینجا [فناوری نانو] بوده، به هم بخورد. این مسئله ثبات مدیریت، تکمیل برنامه، دوری از فضا‌های سیاسی. یعنی از مهم‌ترین کارها این است که این انگیزه‌های سیاسی‌ای که مشاهده می‌کنید بیرون هست، نگذارید در این مجموعه نفوذ کند؛ حیف است، خراب می‌کند. و همین‌طور که تاکنون بحمدالله خوب بوده، همین‌طور خوب نگه دارید و نگذارید [خراب شود]. ... همین‌طور که حالا در این نمودار نشان داده شد که بودجه نسبت به مشاب‌هات آن در دنیا خیلی کم بوده، یک مقداری بیشتر پرداخته بشود به این قضیه. و ان شاءالله خدای متعال هم کمک کند.^{۱۱}

تولید علم و افزایش قدرت علمی

جهش علمی و تحقیقی در فناوری نانو

خوشبختانه مسئله فناوری نانو یک تجربه موفق‌تری است برای کشور ما؛ و نشان‌دهنده این است که وقتی یک مجموعه علاقه‌مند و دلسوز و بامعرفت به کار متمرکز می‌شوند بر روی یک نقطه خاصی و کار را با برنامه پیش می‌برند، پیشرفت‌های محسوس و جهش‌واری در آن کار به‌وجود می‌آید. پیشرفت کار فناوری نانو در واقع برای ما علاوه بر اینکه خودش ارزش دارد، از این جهت هم که یک نمونه‌ای است که ما بتوانیم در همه کارهای کشور از این نمونه تبعیت کنیم و آن را معیار قرار بدهیم، برای ما ارزش دارد. ما تقریباً ده سال پیش با مجموعه ستاد نانو یک ملاقاتی داشتیم؛ گزارشی به من دادند و موضوع نانو را برای ما تشریح کردند؛ مشغول شدند و پیشرفت کردند. امروز خوشبختانه می‌بینیم ما در این مقوله علمی و تحقیقی جهش به‌وجود آمده؛ یعنی کار به‌صورت جهشی پیش رفت.^{۱۱}

تقویت و استمرار

عوامل پیشرفت جهشی فناوری نانو

خدای متعال را شکر می‌گزاریم که یک‌چنین اتّفاقی [پیشرفت جهشی فناوری نانو] افتاده؛ مهم این است که شما ببینید: عوامل این پیشرفت جهشی چه بوده است؟ این عوامل را بایستی نگه دارید؛ وجود برنامه خوب، ثبات در مدیریت، اهتمام به فرهنگ‌سازی و گفتمان‌سازی. این چیزی که اخیراً من دیدم که این جوان‌های دانش‌آموز دنبال این کار هستند و دارند این مسئله را در حدّی که از توانایی‌های معمول دانش‌آموزهای ما بالاتر است، دنبال می‌کنند. یا برای بخش‌های مختلف کارهایی انجام گرفته، این گفتمان‌سازی است؛ این گفتمان‌سازی خیلی مهم است. یعنی در کشور این فکر، این گفتمان، این اندیشه به وجود بیاید که باید مسئله نانو را دنبال کرد. خب! نانو خیلی مهم است؛ نمی‌خواهیم بگوییم از همه مسائل کشور، از همه مسائل فنی مهم‌تر و بالاتر است؛ نه! [اما] یکی از مسائل مهم پیشرفت علمی و

فنی کشور است؛ ما این را الگو قرار بدهیم برای کارهای گوناگونمان و همین عوامل پیشرفت را که به بعضی از آنها اشاره کردم، حفظ کنیم؛ یعنی برنامه را روزبه‌روز تکمیل کنیم. موفقیت‌ها ما را غرّه نکند؛ این خیلی مهم است. خوشبختانه در این ده سال پیشرفتتان خیلی خوب بوده؛ یعنی شما از رتبهٔ پایینی در دنیا رسیده‌اید به رتبه‌های بالا؛ به رتبهٔ هفتم دنیا مثلاً رسیده‌اید؛ خب! این خیلی چیز مهمی است ولیکن این ما را وادار نکند به اینکه قانع بشویم به وضعی که هست و همین وضعیت موجود را بخواهیم حفظ کنیم؛ نه! پیش بروید و فکر پیشرفت روزافزون در این رشته را رها نکنید. استعدادهای گوناگونی هم جذب خواهند شد؛ الآن همین پسرها و دخترهای جوانی که اینجا من می‌بینم، خیلی استعدادهای خوبی هستند؛ اگر این موضوع برای اینها مطرح نمی‌شد، این باب برای تحقیقات اینها باز نمی‌شد و این استعداد بُروز نمی‌کرد. ما خیلی از استعدادها را که در کشورمان وجود دارد، نمی‌شناسیم. میدان را باز کنیم برای

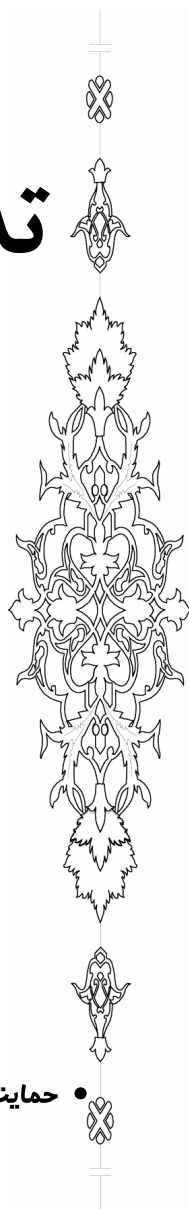
اینکه این استعدادها شناخته بشوند و بیایند. ما امروز خیلی احتیاج داریم به کار؛ ما یک عقب‌ماندگی تاریخی و یک فقر تاریخی در زمینه‌های علمی و تحقیقی داریم. درست است که امروز شتاب علمی ما در دنیا در درجهٔ اوّل است و در واقع شتاب علمی از متوسط خیلی خیلی بالاتر است. لکن هنر این شتاب حداکثر این است که ما را از این عقب‌ماندگی تاریخی و از این فقر تاریخی یک مقداری جلو بیاورد. ما باید این قدر این کار را ادامه بدهیم که برسیم به صفوف مقدّم؛ چرا می‌گوییم صفوف مقدّم؟ چون هم امکانش را داریم، هم نیازش را داریم. این همه استعداد خوب در کشور ما هست؛ یعنی متوسط استعداد در کشور ما از متوسط استعداد در دنیا بالاتر است؛ این ثابت شده و جزو مسلّمات است. استعدادهای فراوانی داریم که این استعداد بایستی بُروز کند و نتیجه بخش [شود].

ثانیاً ما نیاز داریم به اینکه پیشرفت کنیم؛ ما احتیاج داریم. می‌بینیم که منش مستقلّ سیاسی و

اجتماعی و فکری ملت ایران و جمهوری اسلامی موجب می‌شود که قدرتمندان دنیا، صاحبان قدرت‌های زورگو با ما دشمنی کنند؛ این دشمنی در خیلی از جاها دارد خودش را بروز می‌دهد. خب، وقتی که این‌همه دشمنی با ما می‌شود، باید خودمان را تقویت کنیم و خودمان را به اقتدار لازم برسانیم.^{۱۱}

تدابیر نیروی انسانی

• حمایت و پشتیبانی از کارکنان




حمایت و پشتیبانی از کارکنان

تشکر از قهرمانان

خیلی خوش آمدید عزیزان، جوانان، قهرمانان! خوشحالم از زیارت و دیدار شما. اگر می‌توانستم، مایل بودم یکایک شما را از نزدیک ببینم و تشکر کنم؛ منتها عده‌تان ماشاءالله زیاد است و نمی‌شود. از خدای متعال درخواست می‌کنیم که همه شما برادران، خواهران و مربیان و مدیران همه را مشمول لطف خود و هدایت خود قرار بدهد.^۷

تشکر و سپاس از کار و کارکنان برجسته

امروز، روز بسیار خوب و مطلوبی بود برای من. به‌خاطر مشاهده کار برجسته‌ای که در زمینه فناوری نانو بحمدالله در کشور شکل گرفته و پیش می‌رود. البته یکایک این کارهایی که انجام گرفته و اشخاص محترمی که این زحمات را کشیدند و این کارها را کردند، درخور این هستند که جداگانه ابراز تشکر و سپاسگزاری و دعا برای پیشرفت برای آنها انجام بگیرد.^{۱۱}



تدابیر

برون مرزی

- جهت گیری در جهان اسلام
- جهت گیری در مصاف با استکبار
- جهت گیری در سیاست خارجی
- جهت گیری تحولی در جهان

جهت‌گیری در جهان اسلام

مصمم تا تحقق آرمان فلسطین

مسئله فلسطین، در رأس مسائل دنیای اسلام [است.]. ... جمهوری اسلامی ایران، تا روزی که آرمان فلسطین به ثمر برسد، مصمم خواهد ایستاد و آن روز را جوانان قطعاً خواهند دید. ... [در مسیر تحقق آرمان فلسطین] امروز یقیناً یکی از پایه‌ها و ارکان قضیه فلسطین [خدمات و تلاش‌های] شماسست [آقای احمد جبرئیل] و امیدواریم که با حفظ همین روحیه، مقاومت را تا پیروزی نهایی ادامه دهید.^۹

جهت‌گیری در مصاف با استکبار

توانمندی ایران در تحریم اروپا

ملت ایران هم می‌تواند تحریم کند؛ این را بگوییم که اگر بنای بر تحریم باشد، در آینده این ملت ایران است که آنها را تحریم خواهد کرد. بیشترین سهم گاز دنیا در اختیار ماست، مال ملت ایران است؛ گازی که یک انرژی بسیار مهم و اثرگذاری است و دنیا به آن احتیاج دارد و همین اروپای بیچاره احتیاج به این گاز دارد، این گاز در اختیار ماست؛ ایران بیشترین سهم گاز موجود در دنیا را فعلاً - تا حد اکتشافات فعلی در ایران - دارد؛ مجموع نفت و گاز را هم که حساب کنیم، باز بیشترین اندازه نفت و گاز بر روی هم را جمهوری اسلامی ایران دارد؛ ما تحریم می‌کنیم آنها را در وقتی که مناسب باشد؛ و جمهوری اسلامی می‌تواند این کار را بکند.^{۱۳}

رعد و برق توانمندی جمهوری اسلامی ایران

ملت ایران و جمهوری اسلامی نشان داده است که اراده‌اش قوی است؛ در هر زمینه‌ای، در هر مسئله‌ای که به‌طور جدی جمهوری اسلامی ایران وارد شد، نشان داد که اراده‌اش قوی است، عزمش راسخ است، می‌تواند کار کند. در همین قضیه داعش، اینها ائتلاف تشکیل دادند؛ البته دروغ می‌گویند، مزورانه است؛ نامه نوشتند به وزارت خارجه ما که اگر شما می‌گویید آمریکا از داعش حمایت می‌کند، نه، این دروغ است، ما حمایت نمی‌کنیم. خب! اندکی بعد از آن، عکس‌های کمک تسلیحاتی آمریکا به داعش که در اختیار مجاهدین انقلابی بود، منتشر شد! می‌گویند، حرف می‌زنند، ادعا می‌کنند، [اما] خلاف می‌گویند، آن هم خلافی که به این روشنی و به این وضوح و به این زودی آشکار می‌شود. جمهوری اسلامی این جوری نیست؛ ما وقتی وارد بشویم، همان‌طور که امیرالمؤمنین فرمود که ما رعد و برق نخواهیم داشت، مگر آن‌وقتی که بارانی به دنبال آن

باشد. (نهج البلاغه، خطبه ۹؛ «وَلَسْنَا نُرْعِدُ حَتَّى نَوْفِعَ وَلَا نُسِيلُ حَتَّى نُمِطِرَ») ملت ایران بدون تردید در آینده‌ای که آن آینده ان شاء الله خیلی دور نخواهد بود و شما جوان‌های عزیز قطعاً آن آینده را مشاهده خواهید کرد، از همه جهت در قله‌های شرف و افتخار خواهد بود.^{۱۳}

جهت‌گیری در سیاست خارجی

کار ابلهانه برخی دولت‌های منطقه

من شنیدم بعضی از دولت‌های منطقه، سیاست خارجی خودشان را بر مبنای معارضه با ایران قرار داده‌اند! چرا؟ این خلاف عقل است، خلاف حکمت است، این کار، کار ابلهانه‌ای است! چرا انسان یک‌چنین اشتباه بزرگی را مرتکب بشود؟ ما به‌عکس؛ ما سیاست خارجی خودمان را مبتنی کردیم بر دوستی و برادری و ارتباط با همه کشورهای مسلمان و کشورهای منطقه از همسایه و غیر همسایه؛ این سیاست ماست؛ ما همین‌جور هم عمل کردیم، همین‌جور هم در آینده عمل خواهیم کرد.^۴

تجلیل از مواضع و اقدامات شجاعانه ونزوئلا

تصمیم قطعی جمهوری اسلامی ایران، ادامه و افزایش همکاری‌های همه جانبه با ونزوئلاست. ... شما نیز در دوره مسئولیت خود این همکاری‌ها را ادامه داده و با شجاعت بر مشکلات و توطئه‌های تحمیلی دشمنانتان فائق آمدید. ... دشمنان مشترک ما از نفت به‌عنوان یک حربه سیاسی استفاده می‌کنند و قطعاً در این کاهش شدید قیمت نفت نقش دارند. ... البته همکاری‌های دو کشور منحصر به مسائل نفتی نیست و باید سطح مبادلات و سرمایه‌گذاری‌های میان دو کشور را که اکنون کمتر از حد انتظار است، افزایش داد. ... کشورهای آمریکای لاتین در واقع عمق استراتژیک ونزوئلا هستند و آرمان‌های ونزوئلا موجب بیداری بسیاری از ملت‌های آن منطقه شد که علت دشمنی آمریکا با دولت و ملت ونزوئلا نیز همین مسئله است. ... رژیم صهیونیستی در دنیا و به‌خصوص در میان ملت‌های منطقه ما، کاملاً منفور است و مواضع شجاعانه شما علیه این رژیم، دوستان

زیادی برای شما در بین ملت‌ها پدید خواهد آورد.
... شما جوان و برخوردار از عزم و اراده هستید و
تصمیم قطعی جمهوری اسلامی نیز ادامه و افزایش
همکاری‌هایی است که سال‌هاست بین دو کشور
آغاز شده و استمرار و تقویت آنها به نفع هر دو
کشور است.^۵

توافق کلیات و جزئیات

در یک جلسه واحد

[در مذاکره هسته‌ای] ... این حرفی هم که حالا انسان می‌شنود که می‌گویند که «در یک برهه‌ای درباره اصول کلی توافق کنیم، بعد درباره جزئیات»، این را هم بنده نمی‌پسندم؛ این را من نمی‌پسندم. با تجربه‌ای که از رفتارهای طرف مقابل داریم، احساس می‌کنم که این وسیله‌ای خواهد شد برای بهانه‌گیری‌های پی‌درپی بر سر جزئیات. اگر توافق می‌کنند، جزئیات و کلیات و همه را در یک جلسه واحد تمام بکنند، امضا کنند. اینکه کلیات را جداگانه توافق کنند، و بعد بر اساس آن کلیات - که یک چیزهای مبهمی است، تفسیرپذیر است، تحلیل‌پذیر است - بروند سراغ جزئیات، نه! این منطقی نیست.

همه آنچه هم قرارداد بسته می‌شود بین مسئولین ما و بین طرف مقابل، باید روشن، واضح، غیر قابل تفسیر و تأویل باشد. این جور نباشد که طرف مقابل - که با دبه کردن و چک و چانه زدن،

کار خود را پیش می‌برد - بتواند باز سر قضایای گوناگون، بهانه‌گیری کند، دبه در بیاورد، کارها را مشکل بکند؛ نه! همه اینها برای این است که سلاح و حربۀ تحریم از دست دشمن خارج بشود. اگر بتوانند این کار را بکنند، خوب است. البته باید به معنای واقعی کلمه تحریم از دست دشمن خارج بشود، تحریم برداشته بشود؛ توافق به این صورت [بشود]؛ والا اگر چنانچه در این زمینه به توفیق نرسیدند، ملت ایران و مسئولین و دولت محترم و دیگران، راهای فراوانی دارند و یقیناً باید آن راهها را طی کنند برای اینکه بتوانند حربۀ تحریم را بی‌اثر کنند و کُند کنند.^{۱۲}

جهت‌گیری تحولی در جهان

ضرورت شناسایی

انگیزه‌های سیاه‌نمایی غرب علیه اسلام

حوادث اخیر در فرانسه و وقایع مشابه در برخی دیگر از کشورهای غربی مرا متقاعد کرد که دربارهٔ آنها مستقیماً با شما [جوانان در اروپا و آمریکای شمالی] سخن بگویم. من شما جوانان را مخاطب خود قرار می‌دهم؛ نه به این علت که پدران و مادران شما را ندیده می‌انگارم، بلکه به این سبب که آیندهٔ ملت و سرزمیتان را در دستان شما می‌بینم و نیز حسّ حقیقت‌جویی را در قلب‌های شما زنده‌تر و هوشیارتر می‌یابم. همچنین در این نوشته به سیاستمداران و دولتمردان شما خطاب نمی‌کنم، چون معتقدم که آنان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده‌اند.

سخن من با شما دربارهٔ اسلام است و به‌طور خاص، دربارهٔ تصویر و چهره‌ای که از اسلام به شما ارائه می‌گردد. از دو دهه پیش به این سو - یعنی تقریباً پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی - تلاش‌های زیادی صورت گرفته است تا این دین بزرگ، در

جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. تحریک احساس رعب و نفرت و بهره‌گیری از آن، متأسفانه سابقه‌ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد. من در اینجا نمی‌خواهم به «هراس‌های» گوناگونی که تاکنون به ملت‌های غربی القاء شده است، بپردازم. شما خود با مروری کوتاه بر مطالعات انتقادی اخیر پیرامون تاریخ، می‌بینید که در تاریخ‌نگاری‌های جدید، رفتارهای غیر صادقانه و مزورانه دولت‌های غربی با دیگر ملت‌ها و فرهنگ‌های جهان نکوهش شده است. تاریخ اروپا و امریکا از برده‌داری شرمسار است، از دوره استعمار سرافکننده است، از ستم بر رنگین‌پوستان و غیر مسیحیان خجل است؛ محققین و مورّخین شما از خونریزی‌هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم ملیت و قومیت در جنگ‌های اوّل و دوّم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکندگی می‌کنند.

این به‌خودی‌خود جای تحسین دارد و هدف من نیز از بازگوکردن بخشی از این فهرست بلند، سرزنش تاریخ نیست. بلکه از شما می‌خواهم از روشنفکران خود پیرسید: چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه

با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند صد ساله بیدار و آگاه شود؟ چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف به گذشته‌های دور باشد نه مسائل روز؟ چرا در موضوع مهمی همچون شیوه برخورد با فرهنگ و اندیشه اسلامی، از شکل‌گیری آگاهی عمومی جلوگیری می‌شود؟

شما به‌خوبی می‌دانید که تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از «دیگری»، زمینه مشترک تمام آن سودجویی‌های ستمگرانه بوده است. اکنون من می‌خواهم از خود پرسید که: چرا سیاست قدیمی هراس‌افکنی و نفرت‌پراکنی، این‌بار با شدتی بی‌سابقه، اسلام و مسلمانان را هدف گرفته است؟ چرا ساختار قدرت در جهان امروز مایل است تفکر اسلامی در حاشیه و انفعال قرار گیرد؟ مگر چه معانی و ارزش‌هایی در اسلام، مزاحم برنامه قدرت‌های بزرگ است و چه منافعی در سایه تصویرسازی غلط از اسلام، تأمین می‌گردد؟ پس، خواسته اول من این است که درباره انگیزه‌های این سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام پرسش و کاوش کنید.^۶

ضرورت شناخت دین اسلام به طور مستقیم و بدون واسطه

جوانان در اروپا و آمریکای شمالی ... خواسته دوم من این است که در واکنش به سیل پیشداوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین [اسلام] به دست آورید. منطق سلیم اقتضاء می‌کند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می‌گریزانند و می‌ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد؟ من اصرار نمی‌کنم که برداشت من یا هر تلقی دیگری از اسلام را بپذیرید. بلکه می‌گویم: اجازه ندهید این واقعیت پویا و اثرگذار در دنیای امروز، با اغراض و اهداف آلوده به شما شناسانده شود. اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و مآخذ دست اول آن بشناسید. با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن ﷺ آشنا شوید. من در اینجا مایلم پیرسم: آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه

کرده‌اید؟ آیا تعالیم پیامبر اسلام ﷺ و آموزه‌های انسانی و اخلاقی او را مطالعه کرده‌اید؟ آیا تاکنون به جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که: همین اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزش‌هایی طی قرون متمادی، بزرگترین تمدن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟

من از شما می‌خواهم اجازه ندهید با چهره‌پردازی‌های موهن و سخیف، بین شما و واقعیت، سد عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بیطرفانه را از شما سلب کنند. امروز که ابزارهای ارتباطاتی، مرزهای جغرافیایی را شکسته است، اجازه ندهید شما را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند. اگر چه هیچکس به صورت فردی نمی‌تواند شکاف‌های ایجاد شده را پر کند، اما هر یک از شما می‌تواند به قصد روشننگری خود و محیط پیرامونش، پلی از اندیشه و انصاف بر روی آن شکاف‌ها بسازد. این چالش

از پیش طراحی شده بین اسلام و شما جوانان، اگر چه ناگوار است، اما می‌تواند پرسش‌های جدیدی را در ذهن کنجکاو و جستجوگر شما ایجاد کند. تلاش در جهت یافتن پاسخ این پرسش‌ها، فرصت مغتنمی را برای کشف حقیقت‌های نو پیش روی شما قرار می‌دهد.

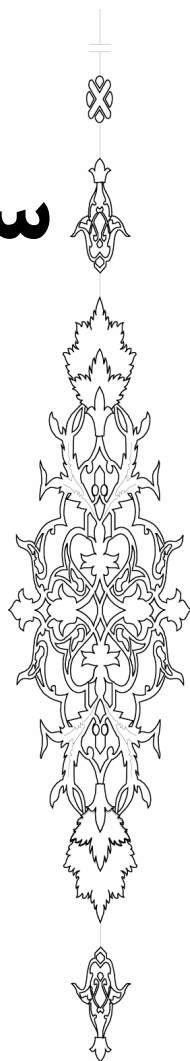
بنابراین، این فرصت را برای فهم صحیح و درک بدون پیشداوری از اسلام از دست ندهید تا شاید به یمن مسئولیت‌پذیری شما در قبال حقیقت، آیندگان این برهه از تاریخ تعامل غرب با اسلام را با آزرده‌گی کمتر و وجدانی آسوده‌تر به نگارش درآورند.^۶

جاذبهٔ انقلاب اسلامی در جهان

حادثهٔ نوزدهم بهمن، یک مضمون پرمغز و ماندگار است؛ ... آن مضمون مهمّ این حادثه این است؛ جاذبهٔ عجیب انقلاب، و آن حقیقتی که در درون انقلاب نهفته بود که دل‌ها را به سمت خودش جذب می‌کرد. ... علاوه بر کشور، در دنیا هم همین اتفاق افتاد. خب! این انقلاب، این توانایی را داشت که به تمام زوایای کشور نفوذ کند و حضور پیدا کند، یعنی مثلاً فرض کنید نه فقط در شهرها، در روستاها هم مردم بلند می‌شدند و از نقطه‌ای به نقطهٔ دیگر می‌رفتند و شعار می‌دادند؛ شعار به نفع امام و انقلاب، و علیه رژیم مستبد و دیکتاتور؛ این جور همهٔ ملّت به پا خاستند. علاوه بر این، در سطح جهان هم همین اتفاق افتاد - البته با نوعی تدریج - یعنی در همه‌جای دنیا؛ در آسیا، در اعماق آفریقا، حتّی در آمریکای لاتین ملّت‌ها از اینکه یک ملّتی پیدا شده است که این شجاعت را، این دلیری را دارد که در مقابل آمریکا بایستد و زورگویی آمریکا را علناً رد

بکند، به هیجان می‌آمدند. خیلی‌ها با زحمت رادیوهای ایران را می‌گرفتند. من دیدم کسانی را که در کشورهای عربی بودند، و از بس رادیوی فارسی ایران را گوش کرده بودند، فارسی یاد گرفته بودند. این جاذبه است؛ جاذبه انقلاب است که دل‌ها را - توده‌های مردم را، روشنفکران را، جوانان را، دانشگاهیان را - در همه‌جای دنیایی که تحت تأثیر شدید تبلیغات دشمن قرار نداشت، توانست به خودش جذب کند؛ این اتفاق در همه‌جا افتاد. اینکه ببینند یک ملت در مقابل زورگویی می‌ایستد، ملت‌هایی را که خودشان در چالش زورگویی‌های آمریکا و قدرت‌های غربی بودند، به هیجان می‌آورد؛ اینها را طرف‌دار می‌کرد؛ علاقه‌مند می‌کرد. این در همه جای - باید گفت - دنیای استضعاف؛ در آفریقا، در آسیا، در نقاط دوردست، در آمریکای لاتین، در همه جا تقریباً عمومیت داشت. این را ما کاملاً مطلع شدیم؛ افراد زیادی می‌رفتند، می‌آمدند و تأثیر انقلاب و تأثیر نام امام را انسان بروشنی مشاهده می‌کرد.^{۱۲}

سایر تدابیر



• پیام به نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی

دانشجویان در اروپا

**پیام به نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی
دانشجویان در اروپا**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جوانان! عزیزان!

حضور شما در مراکز دانشگاهی کشورها،
فرصت نگاه ژرف و حکمت‌آمیز به رویدادها و
پدیده‌های جهان را به شما و فرصت بهره‌مندی از
دانشمندانی جهان‌نگر و جهان‌شناس را به ایران
آینده می‌بخشد. اینها را باید قدر شناخت.

فریفتگی به همان اندازه زیان‌بخش است که بی‌خبری! امروزه به‌طور ویژه به این بیندیشید که چرا سیاست‌های غربی به اسلام‌هراسی دامن می‌زنند؟ و کدام عنصر پر قدرت در اسلام سیاسی به شیوه ایران است که قدرتمداران آزمند و متعددی و مستکبر را به همه‌گونه رویارویی با آن بر می‌انگیزد؟

دانش‌اندوزی را با اندیشه‌ورزی و این هر دو را با پرهیزگاری و پاکدامنی بیامیزید؛ در این صورت، هیچ اندوخته‌ای برای کشور با ثروت وجود جوانانی چون شما برابری نخواهد کرد.

خدا یار و مددکارتان باد.^۸

سید علی خامنه‌ای

۳/ بهمن / ۱۳۹۳

پی‌نوشت‌ها

۱. ۹۳/۱۰/۰۹ پیام به بیست و سومین اجلاس سراسری نماز
۲. ۹۳/۱۰/۱۴ انتصاب حجت‌الاسلام و المسلمین معزی به‌عنوان نماینده ولی‌فقیه در جمعیت هلال احمر
۳. ۹۳/۱۰/۱۷ بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی
۴. ۹۳/۱۰/۱۹ بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی
۵. ۹۳/۱۰/۲۰ (گزارش خبری)بیانات در دیدار رئیس‌جمهور ونزوئلا
۶. ۹۳/۱۱/۰۱ نامه رهبری به جوانان اروپا و آمریکای شمالی در پی حوادث اخیر فرانسه
۷. ۹۳/۱۱/۰۱ بیانات دیدار قهرمانان و ورزشکاران مسابقات آسیایی و پارا آسیایی
۸. ۹۳/۱۱/۰۳ پیام به نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا
۹. ۹۳/۱۱/۰۶ (گزارش خبری) بیانات در دیدار دبیرکل «جبهه مردمی برای آزادی فلسطین
۱۰. ۹۳/۱۱/۰۶ بیانات در دیدار نمایندگان اقلیت‌های مذهبی کشور در مجلس شورای اسلامی
۱۱. ۹۳/۱۱/۱۱ بیانات در بازدید از نمایشگاه دستاوردهای فناوری نانو
۱۲. ۹۳/۱۱/۱۹ بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی
۱۳. ۹۳/۱۱/۲۹ بیانات در دیدار مردم آذربایجان